

بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با آگاهی از حقوق شهروندی با تأکید بر نقش میانجی سرمایه سیاسی و سرمایه اقتصادی (مورد مطالعه: شهروندان شهر اهواز)

صالح صالحی^۱، دکتر علی حسین حسین‌زاده^۲ و دکتر یوسف امینی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۴/۲۹

تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۱۱/۱۰

چکیده:

آگاهی از حقوق و وظایف شهروندی و مشارکت فعال شهروندان در امور جامعه از مباحث چالش‌برانگیز است. پژوهش حاضر به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و آگاهی از حقوق شهروندی در بین شهروندان شهر اهواز می‌پردازد. روش تحقیق از نوع آمیخته «کمی از نوع توصیفی پیمایشی و کیفی از نوع زمینه‌ای با مصاحبه عمیق» می‌باشد در بخش کیفی از روش داده بنیاد برای نظریه‌سازی از داده‌ها بر اساس بنیان‌های تفسیری - برساختی بهره‌گیری شده است. جامعه آماری مورد مطالعه تمامی شهروندان ۲۰ تا ۶۵ سال ساکن شهر اهواز بودند که با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای ۵۲۶ نفر از این شهروندان به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. در این مطالعه برای جمع‌آوری اطلاعات از مصاحبه عمیق، پرسشنامه‌های محقق‌ساخته آگاهی از حقوق شهروندی، سرمایه اجتماعی، سرمایه سیاسی، سرمایه اقتصادی و جمعیت‌شناختی استفاده شد. جهت تحلیل داده‌های کیفی از نرم‌افزار *Atlas.ti* و تحلیل داده‌های کمی از نرم‌افزار *SPSS* و *AMOS* استفاده شد. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که بین سرمایه اجتماعی، سرمایه سیاسی و سرمایه اقتصادی و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه و تأثیر معناداری وجود دارد. بطور کلی روابط معناداری بین متغیرهای پژوهش بدست آمد و مدل پژوهش مورد تأیید قرار گرفت. به نظر می‌رسد میزان آگاهی از حقوق شهروندی با توجه به رابطه معنادار با سرمایه اجتماعی، سرمایه سیاسی و سرمایه اقتصادی، به‌عنوان متغیری مهم و تأثیرگذار می‌تواند زمینه رفاه و توسعه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه هدف را فراهم سازد.

مفاهیم کلیدی: آگاهی از حقوق شهروندی، سرمایه اجتماعی، سرمایه اقتصادی، سرمایه سیاسی، توسعه

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران salehisaleh758@gmail.com

^۲ استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول) a.hosseinzadeh@scu.ac.ir

^۳ استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران yousefamin@gmail.com

مقدمه و بیان مسأله

تحقق اهداف برنامه‌های توسعه، شناخت عوامل مؤثر و چالش‌های پیش رو آن را ضروری می‌نماید. در قرن حاضر دستیابی به توسعه پایدار شهری در برنامه‌ریزی شهرهای پایدار، مستلزم وجود شهری است که از نظر رشد و توسعه اقتصادی، درآمدزایی و اشتغال بتواند نیازهای شهروندان را با اعتمادسازی و جلب مشارکت سرمایه‌های اجتماعی برآورده سازد. شهروندی از جمله مفاهیم نو پدیداری است که به‌طور ویژه‌ای به برابری و عدالت توجه دارد و در نظریات اجتماعی، سیاسی و حقوقی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. مقوله «شهروندی» وقتی تحقق می‌یابد که همه افراد یک جامعه از کلیه حقوق مدنی و سیاسی برخوردار باشند و همچنین به فرصت‌های مورد نظر زندگی از حیث اقتصادی و اجتماعی دسترسی آسان داشته باشند (Mohammadi & et. al, 2017:147).

حقوق شهروندی و عدالت اجتماعی از شاخص‌های اصلی در تعریف سیستم پایدار شهری محسوب می‌شوند. از منظر جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی شهری، تداوم معقول و مستحکم حیات شهری مستلزم شناخت و گسترش حقوق شهروندی، مطالعه مستمر پیرامون ابزارهای تحقق عینی فرصت‌ها و امکانات افراد شهرنشین برای برخورداری‌های اجتماعی، تضمین واقعی این حقوق از مجاری رسمی و دولتی، و سرانجام هدایت زندگی شهری ساکنان به سوی تعامل، وفاق و همزیستی اجتماعی است (Ghaneei & et.al. 2019). از منظری، حقوق شهروندی سبب کم‌رنگ شدن بسیاری از آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی می‌شود، زیرا این حقوق موجب تبیین، توسعه و آگاهی دادن به ابعاد آن خواهد شد (Shahriari, 2017:109). شهروندی تنها یک موقعیت نیست که شخص در آن مجموعه‌ای از حقوق و وظایف داشته باشد؛ بلکه احساس برخورداری از حقوق شهروندی جنبه مهمی از شهروندی است که در تحقق شهروندی، تحکیم، و تقویت بنیان‌های اجتماعی هر جامعه نقش بسزایی دارد (Sam Aram & Barzegar Parizi, 2016:75)؛ و در عرصه سیاسی و اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است و احساس امنیت اجتماعی از حقوق مسلم شهروندی محسوب می‌شود که آگاهی از این حقوق می‌تواند برای بهبود جوامع مفید باشد (Hedayatzadeh & et. al, 2018:189). یکی از متغیرهای مهم مرتبط با حقوق شهروندی سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی را به‌طور خلاصه می‌توان شامل سرمایه و منابع حاصل از نهادها، روابط و هنجارهایی دانست که کنش متقابل اجتماعی جامعه را به لحاظ کمی و کیفی شکل می‌دهند. کلمن معتقد است سرمایه اجتماعی به‌عنوان جنبه‌ای از ساخت اجتماعی، کنش‌های افرادی را که در درون ساخت هستند تسهیل می‌کند و مانند دیگر شکل‌های

سرمایه مولد است و دستیابی به هدف‌های معینی را که در نبود آن دست یافتنی نیست، امکان‌پذیر می‌سازد (Coleman, 1998). سرمایه اجتماعی هم محصول توسعه است و هم در فرآیند توسعه مؤثر می‌باشد؛ بدون سرمایه اجتماعی فرآیند گذار و دست یافتن به توسعه و تکامل سیاسی، فرهنگی و اقتصادی دشوار می‌باشد، زیرا در غیاب سرمایه اجتماعی، سایر سرمایه‌ها اثربخشی خود را از دست می‌دهند. بنابراین سرمایه اجتماعی به‌عنوان یکی از ظرفیت‌های شناخته شده اجتماعی جهت توسعه پایدار، در بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه در نظر گرفته می‌شود. در واقع سرمایه اجتماعی منبعی برای کنش افراد است. ترکیبی از ساختارهای اجتماعی که تسهیل‌کننده کنش‌های کنشگران درون این ساختارها است (Ibid: 1990: 304-307). بورديو جایگاه و مسیر فرد، گروه یا نهاد در فضای اجتماعی را وابسته به میزان برخورداری از سرمایه «اقتصادی»، «اجتماعی»، «فرهنگی» و «نمادین» و تغییرات در حجم و ترکیب این چهار نوع سرمایه در طول زمان می‌داند (Stones, 2010:335). از دیدگاه بورديو توزیع چهار نوع سرمایه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین، ساختار بیرونی طبقاتی را در یک نظام اجتماعی تعیین می‌کند. ساختار کلی طبقات، مقدار سرمایه موجود در دست گروه‌بندی‌های مختلف را منعکس می‌کند. بنابراین طبقه مسلط بیشترین سرمایه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین را در اختیار می‌گیرد و طبقه پایین کمترین مقدار از این منابع را در دست دارد؛ از نظر بورديو چهار نوع سرمایه، در یک پیوستگی خطی قرار دارند و سرمایه اجتماعی وابسته به سرمایه اقتصادی است و سودمندی آن در افزایش سرمایه اقتصادی می‌باشد. افراد و گروه‌ها پیوسته در تلاش هستند تا به وسیله راهبردهای باز تبدیل که یک نوع از سرمایه را به نوع دیگر تبدیل می‌کند، جایگاه خود را در فضای اجتماعی حفظ کرده یا بهبود بخشند (Ibid).

گزارش سازمان «مرسی کورپ» (۲۰۱۷)، نشان‌دهنده آن است که سرمایه اجتماعی، هنجارها، روابط و شبکه‌هایی که افراد را قادر به عملکرد جمعی می‌سازد، به‌طور فزاینده‌ای با توسعه مثبت و نتایج خوب زیستن ارتباط دارد. جوامع با سرمایه اجتماعی بالاتر، سلامت بیشتر، درگیری‌های خشونت‌آمیز کمتر و جرم کمتر، دسترسی به تحصیلات بیشتر و رشد اقتصادی بیشتری را تجربه می‌کنند. بنابراین سرمایه اجتماعی یکی از عواملی است که در غیاب و بدون آن پیمودن مسیر توسعه فرهنگی، اقتصادی و امنیتی دشوار و یا غیر ممکن است.

اهمیت و ضرورت پژوهش

سرمایه اجتماعی به عنوان یک محرک قوی در تقویت رفتار شهروندی افراد، در جهت تحقق شهروندی مطلوب عمل می‌کند و متقابلاً آگاهی از حقوق و تعهدات شهروندی نیز نقش بسیار مهمی را در افزایش سرمایه اجتماعی دارد. نقش سرمایه اجتماعی در تأمین امنیت اجتماعی چه از جهت جلوگیری از بروز ناهنجاری‌ها و انواع جرائم اجتماعی و به تبع و در کنار آن از جهت زمینه‌سازی مشارکت مثبت و فعال فرد در زندگی اجتماعی، اساساً از طریق تأثیرگذاری ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی در چگونگی رفتار افراد اعمال می‌شود (Taghilou, 2006:111). از آنجایی که وضعیت شهروندی و میزان آگاهی شهروندان با حقوق شهروندی و تعهدات خویش دو عامل مهم و تأثیرگذار بر اعتماد و مشارکت و در نتیجه بهبود کیفیت سرمایه اجتماعی آنان می‌باشد و شفاف بودن فضای اطلاعاتی جامعه، آگاه بودن شهروندان از حقوقی که مطابق قانون اساسی از آن برخوردار می‌باشند، زمینه مشارکت و اعتماد شهروندان به یکدیگر را فراهم خواهد ساخت، بنابراین آگاهی از حقوق شهروندی به عنوان یکی از عوامل مهم و مرتبط با سرمایه اجتماعی در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است و یکی از دلایل اهمیت موضوع پیامدهای عدم آگاهی از حقوق شهروندی و عدم راهکارهای لازم در تحقق شهروندی، به ویژه در کلان‌شهرها است که به بروز و تداوم آسیب‌های اجتماعی می‌انجامد.

استان خوزستان با توجه به شرایط ویژه جغرافیایی، در گستره ای به وسعت ۶۴۷۴۶ کیلومتر مربع و با دارا بودن ویژگی‌های خاص سیاسی، اقتصادی، اجتماعی فرهنگی و قومی، مرزهای آبی و خاکی، نیازمند اقدامات و مداخلات پیشگیرانه اثربخش در حوزه اجتماعی و فرهنگی بویژه در زمینه آسیب‌های اجتماعی است. با توجه به وضعیت نامطلوب شاخص‌های سرمایه اجتماعی این استان در سطوح «کلان، میانه و خرد» گستره و موقعیت خاص کلان‌شهر اهواز به عنوان مرکز استان و نرخ بالای شیوع آسیب‌های اجتماعی به ویژه اعتماد به مواد مخدر و سرقت، بررسی در زمینه آگاهی از حقوق شهروندی و سرمایه اجتماعی که مشارکت از اصلی‌ترین مؤلفه‌های آن است، می‌تواند برخی از ابهامات در مورد مسائل و چالش‌های توسعه کلان‌شهر اهواز را توضیح داده و دیدگاه‌های برنامه‌ریزان اجتماعی و اقتصادی را تصحیح نماید.

استان خوزستان با کسب رقم ۱۴ در سطح کلان هر چند از میانگین کل کشور (۲۰۱۳) وضعیت بهتری دارد اما از میانگین عدد طیف (۱۵) پایین‌تر است و رتبه چهاردهم را دارد، در سطح میانی با کسب رقم ۲۶.۶ با فاصله بسیار اندک بالاتر از میانگین کل کشور قرار می‌گیرد

اما همچنان نسبت به میانگین عدد طیف (۲۷) رقم پایین‌تری داشته و در رتبه پانزدهم قرار گرفته و در سطح خرد با رقم ۲۴ و اندی هم از میانگین عدد طیف (۲۷) و هم از رقم کشوری (۲۵) و اندی) پایین‌تر است و رتبه بیست و دوم را به خود اختصاص داده است در مجموع استان خوزستان با رقم ۲۰۷۸ با کسب رتبه هجدهم نسبت به میانگین کشور (۲۰۷۹) و میانگین عدد طیف (۳) در جایگاه پایین‌تری قرار دارد (Nastaran & et. al, 2017:17).

هدف پژوهش حاضر تبیین جامعه‌شناختی رابطه بین سرمایه اجتماعی و آگاهی از حقوق شهروندی شهروندان شهر اهواز با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری می‌باشد.

پیشینه پژوهش

الف) تحقیقات داخلی

در سطح ملی در سال‌های اخیر پژوهش‌های چندی به انجام رسیده است از جمله رابطه سرمایه اجتماعی با شهروندی دموکراتیک (Zolfaghari & et. al, 2019)؛ نقش سرمایه اجتماعی در توسعه اقتصادی (Alizadeh, 2019)؛ تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی و اجتماعی (Ghasemi, 2019)؛ حقوق شهروندی و ارتقای حکمرانی مطلوب شهری (Hosseini, 2019)؛ رابطه سرمایه اجتماعی، تعهد شهروندی و مشارکت اجتماعی با حقوق شهروندی (Hedayatzadeh & et. al, 2018).

سبکتکین و همکاران (۱۳۹۸)، به مطالعه ارتباط آگاهی از مفهوم و مؤلفه‌های اجتماعی توسعه پایدار با سرمایه اجتماعی و آگاهی از حقوق شهروندی بین شهروندان مشگین شهری پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه نشان داد میانگین آگاهی از مفهوم توسعه پایدار و مؤلفه‌های اجتماعی آن در سطح متوسط به بالا قرار دارد. آگاهی از حقوق شهروندی در سطح متوسط رو به بالا و سرمایه اجتماعی در سطح متوسط با متغیر وابسته ارتباط معنی‌دار مستقیم دارند (Saboktakin & et. al, 2019).

هدایت‌زاده و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهش خود به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی، تعهد شهروندی افراد و مشارکت اجتماعی با حقوق شهروندی در بین شهروندان شهر سمنان پرداخت. نتایج پژوهش نشان داد که سرمایه اجتماعی، تعهد شهروندی افراد و مشارکت اجتماعی با حقوق شهروندی رابطه معناداری داشته، علاوه بر این، سرمایه اجتماعی و مشارکت اجتماعی رابطه معناداری بر احساس امنیت اجتماعی دارد؛ همچنین بین حقوق شهروندی و احساس امنیت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد (Hedayatzadeh & et. al, 2019).

از کیا و فیروزآبادی نیز نقش سرمایه اجتماعی را در تشکلهای تولیدی حوزه آبریز کرخه مورد مطالعه قرار دادند. در این پژوهش نظامهای بهره‌برداری عشیره‌ای و ویژگی‌های آن در سطح بیت و بین بیوتات مورد بررسی قرار گرفت. نتایج این مطالعه نشان داد که حس اعتماد در میان اعضای بیت، هنجارهای معامله متقابل در بین اعضا و اعتماد، اطاعت و احترام رهبران محلی نقش مثبت و تأثیرگذاری بر واحد تولیدی بیت داشته است. این سرمایه اجتماعی درون گروهی در سطح بیت همراه با سرمایه اجتماعی بین گروهی (روابط و شبکه‌های بین بیت‌ها) باعث شده که بستر مناسبی برای برنامه‌ریزی توسعه تشکلهای تولیدی فراهم آید (Azkia & Firouzabadi, 2004:52-57).

ب) تحقیقات خارجی

درباره حقوق شهروندی و سرمایه اجتماعی اگر چه با بکارگیری مؤلفه‌های خاصی از این متغیرها و در فضای اجتماعی و سیاسی متفاوت از ایران انجام گرفته است، اما می‌تواند به فهم ما پیرامون اهمیت چنین رابطه‌ای در موفقیت برنامه‌های راهبردی توسعه در سطح ملی کمک کند.

یونگ و همکاران (۲۰۱۷)، در مقاله مشترک خود به دنبال بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و سرمایه اقتصادی در محلات و سلامت و تندرستی ساکنین بوده‌اند. یافته‌ها نشان داده است که افراد کم‌درآمد که در محله‌های اجتماعی و اقتصادی پایین‌تری زندگی می‌کنند نسبت به کسانی که در محلات نسبتاً بهتری زندگی می‌کنند، دارای سلامتی پایین‌تری می‌باشند. همچنین، سرمایه اجتماعی و سرمایه اقتصادی دارای رابطه مثبت و یا مستقیم با میزان سلامتی و تندرستی ساکنین محله دارند.

سان کالم (۲۰۲۰)، در مطالعه‌ای به بررسی ابعاد شهروندی و نابرابری‌های فراملی پرداخت. برای این منظور از عناصر جامعه‌شناسی پیر بورديو استفاده شد. استدلال این بود که شهروندی را می‌توان به‌عنوان سرمایه در مفهوم بورديو پذیرفت، یعنی به‌عنوان منبعی که افراد کم و بیش وقف آن را دارند و بر موقعیت‌های اجتماعی فراملی افراد، ظرفیت‌های آنها برای عمل و استراتژی‌های آنها تأثیر می‌گذارد، در نظر گرفت. پاتنام در تحقیقی که در مناطق مختلف ایتالیا انجام داد، به‌طور آشکار اثرات سرمایه اجتماعی را در رشد و توسعه نشان داد. به همین دلیل در رویکردهای جدید توسعه، از جمله در رویکرد توسعه اجتماعی، برای نجش فقیر یا رفاه اجتماعی معرف‌هایی از قبیل روحیه اجتماعی، همبستگی اجتماعی، مشارکت اجتماعی و سرمایه اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است (Ghaneerad, 2005: 235). پاتنام

معتقد است که همکاری و تعاون داوطلبانه در جایی که ذخیره و انباشت سرمایه اجتماعی در قالب قواعد مبادله و شبکه‌های تعهد مدنی وجود داشته باشد به آسانی صورت می‌گیرد (Putnam & et. al, 1992:167).

چارچوب نظری پژوهش

در نظریه‌های شهروندی، تعریف متعارف و نسبتاً مورد اجماع از شهروندی و به عبارت دقیق‌تر هسته مشترک تمامی تعاریف، که با محوریت دو مقوله کلیدی حق و وظیفه همراه است، شهروندی را مفهومی به هم پیوسته از حقوق و وظایف مدنی سیاسی و اجتماعی می‌داند، که به مثابه نوعی پایگاه، شأن و عضویت اجتماعی به تمامی افراد جامعه اعطاء شده است (Rastegarkhaled & et. al, 2012:96-97).

طبق نظر تی. اچ. مارشال شهروندی، دارای سه بعد اجتماعی اساسی است: حقوق مدنی و شهروندی مدنی^۱، مانند حق برخورداری از آزادی بیان، مالکیت، مذهب، عقیده؛ حقوق سیاسی و شهروندی سیاسی^۲، مانند حق برخورداری از رأی، عضویت و مشارکت سیاسی و حقوق اجتماعی رفاهی و شهروندی اجتماعی^۳ و رفاه، مانند حق برخورداری از راه و خدمات اجتماعی، اشتغال، آموزش، امنیت، تأمین اجتماعی و مانند آن (Mohseni, 2010:131). ژانوسکی با بسط نظریه مارشال، شهروندی را عضویت فعال افراد در قلمرو دولت - ملت دانسته که به موجب آن شهروندان از حقوق و تعهدات برابر برخوردارند. او همچون مارشال به بعد حقوقی شهروندی توجه بیشتری داشته است. به نظر ژانوسکی، حقوق شهروندی حقوقی هستند که گروه‌های مختلف از آن‌ها حمایت می‌کنند و توسط دولت تثبیت و تأیید می‌شوند و دارای ضمانت اجرایی‌اند (Shiani & Davoudmandi, 2010, 41-42). وی یک مدل چهار بعدی ارائه می‌دهد: الف) حقوق قانونی به رویه‌ای، اظهاری، کنترل بدن، مالکیت و خدمات و تشکیلاتی تقسیم می‌شود؛ ب) حقوق سیاسی شامل شخصی، تشکیلاتی، تابعیت و حقوق مخالف است؛ ج) حقوق اجتماعی شامل حقوق پیشگیرانه و توانمندسازی، حقوق فرصت، حقوق توزیعی و حقوق جبرانی است؛ د) حقوق مشارکت شامل حقوق مربوط به مداخله در بازار کار، حقوق مربوط به بوروکراسی، شرکت و حقوق سرمایه است. او معتقد است

¹ civil citizenship

² political citizenship

³ social citizenship

با افزودن حقوق مشارکت به حقوق شهروندی، قادر خواهیم بود بهتر به تحلیل حقوق شهروندی در کشورهای مختلف بپردازیم (Torkaman & Bahmanpour, 2010:18).

طرح هیتر از جمله معهود مدلهایی است که در آن از احساس شهروندی سخن به میان آمده است. این طرح شهروندی را دارای پنج عصر اساسی می‌داند، که علاوه بر تعریف مارشال از شهروندی، دو بعد هویت و فضیلت مدنی را نیز در بر می‌گیرد. این طرح پیوستگی عناصر را نشان می‌دهد و این اشکال مدنی، سیاسی و اجتماعی شهروندان به مثابه موقعیت می‌باشد و این موقعیت در بر گیرنده حقوق و وظایف مدنی است. برعکس، فضیلت مدنی به طرز تلقی‌ها و رفتارها منجر می‌شود. این بخش تا حدی بیانگر وفاداری به دولت و اجتماع بوده و در کنار اجرای وظایف قانونی بیانگر احساس مسئولیت‌پذیری است. همچنین هویت نیز دو جنبه دارد و به موقعیت (فرد برخوردار از حقوق از طریق ملیت) و احساس (نیاز تعلق به گروه‌های اجتماعی) مربوط می‌شود (Nabavi & et. al, 2009)؛ و از جمله معهود مدلهایی است که در آن برآموزش و آگاهی از حقوق شهروندی و وظایف و تعهدات افراد جامعه تأکید نموده و شهروندی را دارای پنج عنصر اساسی می‌داند، که علاوه بر تعریف مارشال از شهروندی، دو بعد هویت و فضیلت مدنی را نیز در بر می‌گیرد.

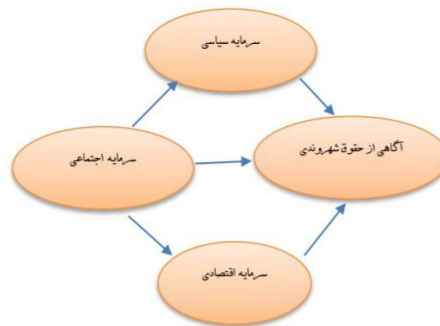
پیر بوردیو به‌عنوان یکی از نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی، پیرامون سرمایه اجتماعی یادآور می‌شود که مسیر و روند حرکت فرد، گروه یا نهاد در فضای اجتماعی وابسته به تغییرات در حجم و ترکیب این چهار نوع سرمایه در طول زمان می‌باشد (Stones, 2000:335). بر طبق نظریه بوردیو سرمایه اجتماعی از دو بعد شبکه‌ها و ارتباطات/روابط اجتماعی و دیگری جامعه‌پذیری تشکیل شده است. وی مشخصاً توضیح می‌دهد که افراد نیابستی فقط به رابطه داشتن با دیگران اکتفا کرده، بلکه بایستی بدانند این شبکه‌ها چگونه عمل می‌کنند و چگونه می‌توان این روابط را در طول زمان حفظ کرد و از آن‌ها بهره گرفت. از نظر بوردیو، «سرمایه اجتماعی» جمع منابع عینی و بالقوه‌ای است که حاصل شبکه با دوام روابط کمابیش نهادینه شده آشنایی و شناخت متقابل یا به بیان دیگر، ناشی از عضویت در یک گروه است (Bourdieu, 1986:249). از دیدگاه وی سرمایه اقتصادی شکل غالب سرمایه‌گذاری است و انواع دیگر سرمایه «شامل فرهنگی و اجتماعی»، به‌عنوان ابزاری برای حصول سرمایه اقتصادی مفهوم پیدا می‌کنند (Kheyrikhah, 2011:17)؛ و توزیع چهار نوع سرمایه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین (سیاسی)، ساختار بیرونی طبقاتی را در یک نظام اجتماعی تعیین می‌کند و ساختار کلی طبقات، مقدار سرمایه موجود در دست گروه بندی‌های مختلف را منعکس می‌سازد. بنابراین طبقه مسلط بیشترین سرمایه اقتصادی،

اجتماعی، فرهنگی و نمادین را در اختیار می‌گیرد و طبقه پایین کمترین مقدار از این منابع را در دست دارد؛ از نظر وی از آنجایی که سرمایه اجتماعی وابسته به سرمایه اقتصادی بوده و سودمندی آن در افزایش سرمایه اقتصادی می‌باشد، افراد و گروه‌ها پیوسته در تلاش هستند تا به وسیله راهبردهای باز تبدیل که یک نوع از سرمایه را به نوع دیگر تبدیل می‌کند، جایگاه خود را در فضای اجتماعی حفظ کرده یا بهبود بخشند (Stones, 2000:340).

بورديو، در مقاله (نماینده‌ی سیاسی: عناصری برای یک نظریه در حوزه سیاسی)، در سال ۱۹۸۱ به شکل جدیدی از سرمایه یعنی سرمایه سیاسی اشاره می‌کند و آن را این‌گونه تعریف می‌کند، سرمایه سیاسی شکلی از سرمایه نمادین است. اعتباری که بر مبنای اعتقاد، باور و شناخت و عملکرد پایه‌ریزی شده است و از آن طریق، افراد به یک شخص قدرت زیادی اعطا می‌کنند. او همچنین، سرمایه سیاسی را قدرت سیاسی می‌داند، قدرتی که از اعتماد یک گروه از پیروان به سیاست‌مداران، نشأت می‌گیرد. بنابراین با افزایش یا کاهش اعتماد، سرمایه سیاسی یک سیاست‌مدار تغییر می‌کند (Ebadi & et. al, 2014:31-32). عاملان سیاسی به این معنا تلاش می‌کنند تا ابزار مشروع دستکاری جهان اجتماعی را به انحصار خود درآورند. به‌زعم وی، هر قدر میدان سیاسی مستقل‌تر، به همان میزان سازوکارهای درونی‌اش نیز نقشی مهم‌تر در فعالیت سیاسی ایفا می‌کنند (Zolfaghari & Jafari Aliabadi, 2018:42-43). از نظر بورديو سرمایه هر گونه خاستگاه و سرچشمه در عرصه اجتماعی است که در توانایی فرد برای بهره‌مندی از منافع خاصی که در این صحنه حاصل می‌گردد، مؤثر واقع می‌شود (Aliyari & et. al, 2010:59-60). پس می‌توان گفت که بورديو سرمایه سیاسی را در کنش (همچون آگاهی از حقوق شهروندی) تأثیرگذار می‌داند.

پژوهش‌های پاتنام و همکارانش، بینش تازه‌ای را در تئوری سرمایه اجتماعی ایجاد کرد. پاتنام با بررسی که در مناطق مختلف ایتالیا از حیث میزان سرمایه اجتماعی (در شکل‌های میزان مشارکت مدنی، اعتماد اجتماعی، و هنجارها و ارزش‌های سودمند) انجام داد، این نظریه را طرح نمود که بین میزان سرمایه اجتماعی در یک منطقه و سطح توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی آن منطقه ارتباط متقابلی وجود دارد (Putnam, 2001). به تعبیر پاتنام همکاری و تعاون داوطلبانه در جایی که ذخیره و انباشت اساسی از سرمایه اجتماعی در قالب قواعد مبادله و شبکه‌های تعهد مدنی وجود داشته باشد به آسانی صورت می‌گیرد. در واقع این مفهوم سرمایه اجتماعی به پیوندها، میان اعضای یک شبکه به‌عنوان منبع با ارزش اشاره دارد که با خلق هنجارها و اعتماد متقابل موجب تحقق اهداف اعضا می‌شود (Azkia & Ghafari, 2014). به‌طور کلی تمامی نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی بر ضرورت شکل‌گیری شبکه‌های

ارتباطی به‌عنوان فاکتوری از سرمایه اجتماعی تأکید داشته‌اند. نظریه‌پردازان حقوق شهروندی شامل؛ مارشال، ژانوسکی و هیتر ضمن تأکید بر حقوق شهروندی و ابعاد آن، ارتباط آن را با انواع سرمایه بیان نمودند. بالا رفتن آگاهی از حقوق شهروندی در زمینه‌های اشتغال و رفاه اجتماعی متأثر از نقش سرمایه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌باشد. همچنین بورديو، پاتنام ضمن تأکید بر سرمایه اجتماعی و ابعاد آن؛ تأثیرات سایر سرمایه‌ها را مثل سرمایه اقتصادی و سیاسی را زیربنایی بیان می‌نمایند و تحقق ارتباط آن را با مسائل و تعهدات شهروندی ضروری می‌دانند. با جمع‌بندی نظریات ارائه شده در حقوق شهروندی، سرمایه اجتماعی، سرمایه اقتصادی و سرمایه سیاسی و بررسی رابطه آنها با یکدیگر هر کدام از زاویه‌ای در چارچوب مفاهیم در ایجاد ارتباط بین متغیرها نقش‌آفرینی کرده است و بر این اساس مدل مورد نظر ترسیم و فرضیات به شرح ذیل ارائه گردید:



• مدل مفهومی چارچوب نظری

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- بین سرمایه اجتماعی و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه وجود دارد.
- ۲- بین سرمایه اجتماعی و سرمایه سیاسی رابطه وجود دارد.
- ۳- بین سرمایه اجتماعی و سرمایه اقتصادی رابطه وجود دارد.
- ۴- بین سرمایه سیاسی و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه وجود دارد.
- ۵- بین سرمایه اقتصادی و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش از هر دو روش کمی و کیفی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد؛ لذا روش تحقیق، آمیخته (از نوع طرح اکتشافی متوالی) است. یکی از الزامات طرح‌های پژوهشی آمیخته از نوع اکتشافی، طراحی برنامه مداخله است (Creswell, 1999; *Translated by Abedi and Qumrani, 2015*). در مرحله اول استفاده از روش کیفی، بر اساس یک رویکرد کیفی (داده‌بنیاد) استفاده شده است. داده‌های کیفی توسط مصاحبه نیمه ساختار یافته و روش دلفی با همکاری اساتید، صاحب‌نظران و ... در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی گردآوری می‌شود. نتیجه مرحله اول تحقیق پس از تجزیه و تحلیل متن مصاحبه‌ها به منظور بالا بردن پایایی این بخش تحقیق، از روش دلفی استفاده می‌گردد و نتیجه این بخش به ارائه مدل منجر می‌شود. که در مرحله دوم تحقیق، رویکرد کمی با استفاده از معادلات ساختاری به بررسی و برارزش مدل استخراجی از بخش کیفی می‌پردازد.

جامعه آماری مورد مطالعه تمامی شهروندان ۲۰ تا ۶۵ سال ساکن شهر اهواز است که بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، ۷۵۴۸۹۲ نفر بوده که از این تعداد با استفاده از فرمول تعیین حجم نمونه کوکران با خطای ۵ درصد ۳۸۴ نفر تعیین شد ولی بدلیل بهره‌گیری مناسب از نتایج و همچنین ریزش و یا مناسب نبودن و ناقص بودن پاسخ‌ها ۵۲۶ به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای به‌عنوان نمونه انتخاب و پرسشنامه بین مخاطبین توزیع گردید (از این تعداد، ۵۰۶ پرسشنامه جمع‌آوری و مورد تحلیل قرار گرفت). به منظور انتخاب نمونه‌ای مناسب و معرف جامعه آماری، از شیوه نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای استفاده شد. نمونه‌گیری خوشه‌ای در مواردی به کار می‌رود که فهرستی از اعضای جمعیت وجود نداشته باشد. در این موارد ابتدا از گروه‌ها یا خوشه‌ها نمونه‌گیری شده و سپس از هر یک از خوشه‌های انتخاب شده، عنصرها انتخاب می‌شوند (Baby, 2009: 454). بنابراین در این پژوهش از ۸ منطقه شهری شهر اهواز از هر منطقه یک بخش به‌عنوان یک خوشه انتخاب شده و با توجه به جمعیت هر بخش درصد نمونه آن بخش از نمونه اصلی مشخص و با استفاده از نقشه کلانشهر اهواز، بلوک‌ها تعیین و سپس با توجه به ویژگی‌های جمعیت شناختی، نشانی‌ها مشخص و پرسشگر آموزش دیده به نشانی‌های تعیین شده مراجعه و نسبت به تکمیل پرسشنامه‌ها اقدام نمودند.

در این تحقیق، اطلاعات مورد نیاز به روش کمی با استفاده از پرسش‌نامه محقق ساخته (پس از استخراج محورهای اصلی مصاحبه) در سه بخش تهیه شد. بخش اول، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شهروندان و بخش دوم، پرسش‌های مربوط به متغیرهای مورد مطالعه شامل

«آگاهی از حقوق شهروندی (حقوق مدنی، حقوق اجتماعی، حقوق سیاسی و حقوق فرهنگی)؛ سرمایه اجتماعی (اعتماد، انسجام و روابط و مشارکت)، سرمایه سیاسی (مشارکت سیاسی و اعتماد سیاسی) و سرمایه اقتصادی» بود؛ همچنین از طیف لیکرت ۵ درجه‌ای «کاملاً مخالفم، مخالفم، نظری ندارم، موافقم و کاملاً موافقم» به ترتیب از (۱ تا ۵ امتیاز) برای پاسخ به سؤالات پرسشنامه استفاده شد. با توجه به هدف‌های مورد نظر، برای حصول روایی قابل قبول ابزارهای پژوهش از روایی محتوایی و تحلیل عامل تأییدی مرتبه اول برای برآورد روایی سازه مقیاس‌ها استفاده شد. در مدل‌های عاملی مرتبه اول، فرض بر این است که نمرات هر مورد مطالعه در یک متغیر، در واقع منعکس‌کننده وضعیت آن مورد، در یک عامل زیر بنایی‌تر است که به دلیل پنهان بودنش، امکان اندازه‌گیری آن به صورت مستقیم وجود ندارد. همچنین به منظور ارزیابی میزان پایایی مفاهیم و ابعاد مورد سنجش، از روش همبستگی درونی آلفای کرونباخ استفاده شد. جدول ۱ میزان پایایی ابزارهای پژوهش را به روش آلفای کرونباخ نشان می‌دهد.

جدول ۱: ضرایب پایایی متغیرهای پژوهش به روش آلفای کرونباخ ($n=30$)

Table 1: Reliability Coefficients of Research Variables Using Cronbach's Alpha Method ($n=30$)

متغیر <i>Variable</i>	مؤلفه <i>Component</i>	آلفای کرونباخ
آگاهی از حقوق شهروندی	حقوق مدنی	۰.۷۹۴
	حقوق اجتماعی	۰.۸۷۰
	حقوق سیاسی	۰.۷۹۷
	حقوق فرهنگی	۰.۸۳۰
سرمایه اجتماعی	اعتماد اجتماعی	۰.۷۵۹
	انسجام و روابط	۰.۷۹۹
	مشارکت اجتماعی	۰.۷۸۳
سرمایه سیاسی	مشارکت سیاسی	۰.۸۵۴
	اعتماد سیاسی	۰.۷۹۶
سرمایه اقتصادی	سرمایه اقتصادی	۰.۸۲۵
آلفای کرونباخ کل پرسشنامه		۰.۸۰۲

در بخش کیفی، جمع‌آوری اطلاعات از طریق مصاحبه عمیق و بررسی اسناد و مدارک انجام شد. در این راستا از روش داده‌بنیاد (زمینه‌ای) استفاده شد. نظریه داده بنیاد یکی از

روش‌های مرسوم در پژوهش کیفی است که با هدف نظریه‌سازی از داده‌ها بر اساس بنیان‌های تفسیری - برساختی، ایجاد و بسط داده شده است. در این روش، پژوهشگر می‌کوشد تا دریابد که مقصود افراد از ایجاد ارتباط متقابل چیست و چه معنا یا برداشتی از این ارتباط دارند. بنابراین در این روش بر معنا یا مفهومی که در سازمان‌های اجتماعی وجود دارد تأکید می‌شود (Seyed Javadi & Esfidani, 2010:4). مراحل انجام تحقیق در روش نظریه‌پردازی داده محور، سه مرحله، نمونه‌گیری نظری، کدگذاری نظری و تدوین نظریه می‌باشد. این مراحل دورانی است به‌عبارت دیگر اگر نظریه مقبولی ساخته نشود، باید نمونه‌های بیشتری کدگذاری شوند تا از میان این کدها و مقوله‌ها نظریه ساخته شود. از آنجایی که نمونه‌گیری هدفمند و نظری به عنوان گام اول در مطالعات داده‌بنیاد اهمیت داشته و نمونه، در ابتدای پژوهش از پیش تعریف نشده و محقق آن را ابتدا برای جمع‌آوری داده‌ها انتخاب می‌کند و در پایان هر یک از مراحل نتیجه‌گیری از فرآیندهای جمع‌آوری داده باید اجازه دهد تا داده‌ها نقطه بعدی جمع‌آوری داده را مشخص نمایند و این روند تا زمان اشباع نظری ادامه می‌یابد؛ نقطه‌ای که محقق تعیین می‌کند، اضافه شدن داده‌های دیگر و انجام و جمع‌آوری داده‌های بعدی، اطلاعات جدیدی درباره دسته‌ها تولید نمی‌کند (Babasafari, 2019:15)، در این پژوهش نیز نمونه‌گیری تا ۱۰ نفر انجام پذیرفت و فرآیند کدگذاری به روش «کدگذاری باز یا خط به خط» و «کدگذاری متمرکز» انجام گردید. در مرحله کدگذاری متمرکز نیز، پالایش و تفکیک مقوله‌های بدست آمده از کدگذاری باز. از میان انبوه مقوله‌های به وجود آمده در مرحله کدگذاری باز، آن‌هایی که به نظر می‌آید بیش از سایر مقولات در مرحله بعدی به کار می‌آیند انتخاب می‌شوند. به‌عبارت دیگر در کدگذاری متمرکز، کدهایی که در یک خانواده قرار می‌گیرند مشخص می‌شوند (Mirzamohammadi, 2012:23). در این مقاله به لحاظ محدودیت صرفاً، به اختصار نتایج بدست آمده از کدگذاری متمرکز در جداول ۲ و ۳ نشان داده شده است.

جدول ۲: نتایج کدگذاری متمرکز ابعاد سرمایه اجتماعی

Table 2: Centralized Coding Results of Social Capital Dimensions

متغیر	خانواده کد (کدگذاری متمرکز)	کدگذاری باز
Variable	Code Family (Centralized Coding)	Open Coding
سرمایه اجتماعی	مشارکت اجتماعی	مشارکت زنان
		مشارکت داوطلبانه
		عضویت گروهی در انجمن‌ها
		مشارکت غیر رسمی
		مشارکت
		مشارکت همگانی
		عضویت غیر رسمی در گروه‌ها
سرمایه اجتماعی	انسجام و روابط اجتماعی	احساس تعلق به نهادهای جامعه
		وفاق
		شبکه‌های اجتماعی
		وفاق در شهر و محله
		شبکه‌های مجازی
		احساس تعلق به محله
		انسجام
		روابط اجتماعی
سرمایه اجتماعی	اعتماد اجتماعی	اعتمادسازی
		اعتماد
		اعتماد نهادی
		اعتماد تعمیم یافته
		اعتماد به اقوام
		اعتماد به خویشاوندان و نزدیکان

جدول ۳: ابعاد آگاهی از حقوق شهروندی

Table 3: Dimensions of Awareness of Citizenship Rights

متغیر	خانواده کد (کدگذاری متمرکز)	کدگذاری باز
Variable	Code Family (Centralized Coding)	Open Coding
آگاهی از حقوق شهروندی	حقوق اجتماعی	آموزش اجتماعی و همگانی حقوق شهروندی
		آگاهی‌سازی همگانی
		آشنایی عمومی مردم با حقوق شهروندی
		آموزش
		آگاهی‌سازی در زمینه‌های اجتماعی
		آموزش حقوق اجتماعی
آگاهی از حقوق شهروندی	حقوق مدنی	آموزش حقوق مدنی رسمی
		حق آزادی دسترسی به اطلاعات
		حق دسترسی به فضای مجازی
		حمایت قانون و برابری
		حقوق کودکان
		حقوق زنان
آگاهی از حقوق شهروندی	حقوق فرهنگی	آموزش و فرهنگ‌سازی در راستای حقوق شهروندی
		آگاهی‌سازی در زمینه فرهنگی
آگاهی از حقوق شهروندی	حقوق سیاسی	آگاهی‌سازی در زمینه سیاسی

تعریف مفاهیم و نحوه سنجش متغیرها

سرمایه اجتماعی: پاتنام سرمایه اجتماعی را مجموع منابعی می‌داند که از طریق روابط بین افراد، شبکه‌های اجتماعی و اعتماد تولید می‌شود. سرمایه اجتماعی به بیان ویژگی‌ها از یک سازمان می‌پردازد و ویژگی‌هایی همچون اعتماد و شبکه‌های اجتماعی و کنش که جامعه را در فعالیت‌های هماهنگ، کارآمد می‌سازد (Field, 2013:55). به منظور سنجش متغیر سرمایه اجتماعی، با استعانت از مبانی نظری و تعمق در مطالعات پیشین، سوالات (معرف‌های) شماره ۱۵ تا ۴۷ در پرسشنامه لحاظ شدند.

سرمایه سیاسی: به معنای کنش‌های سیاسی است که بصورت آگاهانه فرایند سیاست‌گذاری و بطور کلی نظام سیاسی را متأثر می‌کند (*Boot and Richard, 2007*;) 36 *Zolfaghari and Jafari Aliabadi, 2017*: 36؛ همچنین باید اذعان کرد که سرمایه سیاسی در سه سطح فردی، سازمانی و اجتماعی مطرح می‌شود (*Pirannezhad & Ebadi, 2012*: 5). به منظور سنجش متغیر سرمایه سیاسی، با استعانت از مبانی نظری و تعمق در مطالعات پیشین، سؤالات (معرف‌های) شماره ۲۵ تا ۲۷ برای سنجش بعد اعتماد سیاسی و ۴۶ تا ۴۸ برای سنجش بعد مشارکت سیاسی در پرسشنامه لحاظ شدند.

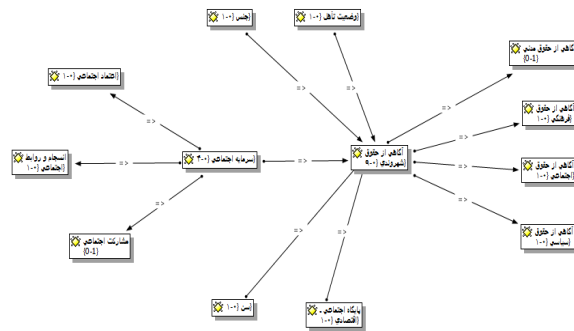
سرمایه اقتصادی: به اعتقاد بوردیو، سرمایه اقتصادی، که از پهنه اقتصادی سرچشمه می‌گیرد؛ شامل درآمد و بقیه منابع مالی است که در قالب مالکیت ظاهر می‌شود و یا به تعبیر دیگر، سرمایه‌ای است که برای تولید کالا و خدمات مورد استفاده قرار می‌گیرد (*Akhavan, 2016*: 63). به منظور سنجش متغیر سرمایه اقتصادی، با استعانت از مبانی نظری و تعمق در مطالعات پیشین، سؤالات (معرف‌های) شماره ۶ تا ۹ در پرسشنامه لحاظ شدند.

آگاهی از حقوق شهروندی: متغیر وابسته در این پژوهش آگاهی از حقوق شهروندی و مؤلفه‌های آن می‌باشد. حقوق شهروندی در بردارنده مجموعه حقوق و تکالیفی است که اعضاء جامعه نسبت به یکدیگر، نهادها و جامعه دارند که شامل حقوق مدنی، حقوق سیاسی، حقوق اجتماعی، حقوق فرهنگی می‌شود. حقوق مدنی در جهت تحقق آزادی‌های فردی ضروری و عبارتند از عناصری چون آزادی بیان، حق مالکیت و حق برخورداری از عدالت، حقوق سیاسی از حق مشارکت در اعمال قدرت سیاسی، به‌ویژه حق برخورداری از انتخابات آزاد و رأی مخفی به وجود آمده و حقوق اجتماعی حق برخورداری از حداقل رفاه اقتصادی و امنیت، حق سهام شدن به‌طور کامل در میراث اجتماعی و همچنین حق زیستن به مانند یک موجود متمدن می‌باشد (*Marshal, 1950*). حقوق فرهنگی نیز شامل مواردی نظیر دستیابی کامل به زبان و فرهنگ اکثریت، حق حفظ زبان‌ها و فرهنگ اقلیت، حق داشتن مذهب و سنت‌ها و شیوه زندگی متفاوت و برابری آموزش و حق داشتن ارتباط‌های بین فرهنگی و بین‌المللی می‌باشد (*Castells and Davidson, 2003*: 263).

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش از روش تحقیق آمیخته (ترکیبی) استفاده شد. در بخش کیفی با استفاده از مصاحبه عمیق از اساتید دانشگاهی و صاحب نظر برای پی بردن به ابعاد سرمایه اجتماعی و آگاهی از حقوق شهروندی و شناسایی بسترهای آگاهی از حقوق شهروندی داده‌های لازم

جمع‌آوری شد. در نهایت پس از مشخص شدن ابعاد سرمایه اجتماعی و آگاهی از حقوق شهروندی، مدلی ارائه شد که به صورت تجربی در جامعه مورد نظر مورد آزمون تجربی قرار می‌گیرد. همچنین در این مطالعه متغیر سرمایه اجتماعی به سه بعد اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و انسجام و روابط اجتماعی طبقه بندی شده و متغیر آگاهی از حقوق شهروندی نیز به چهار بعد حقوق مدنی، حقوق اجتماعی، حقوق سیاسی و حقوق فرهنگی مقوله بندی شد. در نهایت مشخص گردید که متغیرهایی چون سرمایه اجتماعی، سن، جنس، وضعیت تأهل و پایگاه اجتماعی اقتصادی بر متغیر آگاهی از حقوق شهروندی به چه میزان می‌توانند اثرگذار باشند.



شکل ۱: مدل تدوین شده بر اساس داده‌های کیفی

Figure 1: Model Developed Based on Qualitative Data

همچنین به منظور بررسی نرمال بودن متغیرهای پژوهش از آزمون اسمیرنوف - کلموگروف استفاده شده است. در این آزمون با توجه به مفروضه‌های زیر، به بررسی نرمال بودن آن‌ها پرداخته شد: «فرضیه خلاف: داده‌ها دارای توزیع نرمال نیستند»، «فرضیه پژوهش: داده‌ها دارای توزیع نرمال هستند». همان‌گونه که داده‌های جدول ۲ نشان می‌دهد سطح معناداری آزمون کولموگروف - اسمیرنوف برای همه متغیرهای پژوهش به جز سرمایه اقتصادی از مقدار (۰/۰۵) بیشتر می‌باشد، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که توزیع داده‌ها نرمال می‌باشد. به منظور تدوین مدل نظری از نرم‌افزار *Atlas.ti* استفاده شد.

جدول ۴: سطح معناداری آزمون کولموگروف - اسمیرینوف متغیرهای وابسته و مستقل
Table 4: Significance Level of Kolmogorov and Smirnov Test of Dependent and Independent Variables

متغیر	آگاهی از حقوق شهروندی	سرمایه اجتماعی	سرمایه سیاسی	سرمایه اقتصادی
Variable	Awareness of Citizenship Rights	Social Capital	Political Capital	Economic Capital
حجم نمونه	۵۰۶	۵۰۶	۵۰۶	۵۰۶
پارامترهای توزیع نرمال	میانگین	۹۳/۳۹	۱۴/۵۶	۹/۰۴
	انحراف معیار	۹/۸۹۵	۵/۴۲۴	۳/۵۷۸
آماره آزمون اسمیرینوف - کلموگروف	۱/۱۹۷	۰/۹۹۳	۱/۲۹۱	۲/۲۲۸
سطح معنی داری آزمون	۰/۱۱۴	۰/۳۷۸	۰/۰۷۱	۰/۰۰۰
نتیجه آزمون	نرمال است	نرمال است	نرمال است	نرمال نیست
نتیجه طبق حد مرکزی	نرمال است	نرمال است	نرمال است	نرمال است

به منظور بررسی سهم تأثیرگذاری هر یک از متغیرهای مستقل پژوهش بر متغیر آگاهی از حقوق شهروندی و آزمون تجربی مدل نظری از روش مدلسازی معادلات ساختاری استفاده شد. در این پژوهش محقق قصد دارد با اجرای تحلیل عاملی تأییدی مدل ارائه شده بر اساس نظریه‌ها را با مدلی که در دنیای واقعی وجود دارد مقایسه نماید. تحلیل عاملی تأییدی به دنبال تأیید نیکویی برازش مدل یا به عبارتی تأیید مدل ارائه شده مشابه مدل واقعی در جمعیت مورد مطالعه است. در گام اول برای انجام تحلیل عاملی تأییدی، بار عاملی استاندارد شده نشانگرها بررسی می‌شود تا مطمئن شویم بزرگتر از ۰/۵ هستند. حداقل مقدار قابل قبول برای بار عاملی استاندارد می‌باشد. بهترین حالت زمانی است که تمام بارهای عاملی استاندارد بیش از ۰/۷۰۷ باشند، به این دلیل که هر بار عاملی در واقع همان ضریب رگرسیونی مسیر متغیر پنهان به شاخص است. به عبارت ساده‌تر بار عاملی استاندارد شده ضریب رگرسیونی استاندارد شده مدلی است که در آن متغیر پنهان یک متغیر مستقل و شاخص‌های آن متغیرهای وابسته هستند. پس ضریب تعیین متغیر وابسته، توان دوم بار عاملی استاندارد است. حال اگر بار عاملی استاندارد ۰/۷۰۷ باشد، ضریب تعیین، ۰/۵ خواهد بود که نشان می‌دهد حداقل نیمی از واریانس شاخص توسط متغیر پنهان توضیح داده

می‌شود (Pahlavan Sharif & Mahdavian, 2017). بر این اساس به منظور بررسی پایایی مدل‌های اندازه‌گیری از شاخص‌های آلفای کرونباخ، بارهای عاملی و پایایی ترکیبی (CR) استفاده شد و برای بررسی روایی از شاخص میانگین واریانس به اشتراک گذاشته (AVE) استفاده گردید که نتایج آن در جدول ۵ تا ۸ نشان داده شده، این نتایج بیانگر آن است که مدل اندازه‌گیری متغیرها از پایایی و روایی کافی برخوردار می‌باشد.

جدول ۵: شاخص‌های پایایی و روایی متغیر آگاهی از حقوق شهروندی و ابعاد آن

Table 5: Reliability and Validity Indicators of the Variable of Awareness of Citizenship Rights and Its Dimensions

متغیر	معرف‌ها	بار عاملی	پایایی ترکیبی	میانگین واریانس استخراج شده	آلفای کرونباخ
		> 0.40 بار عاملی	$CR > 0.70$	$AVE > 0.40$	$Alfa > 0.70$
آگاهی از حقوق شهروندی	حقوق مدنی F1	0.75	0.87	0.65	0.86
	حقوق اجتماعی F2	0.74			
	حقوق سیاسی F3	0.85			
	حقوق فرهنگی F4	0.89			
حقوق مدنی	V15	0.64	0.71	0.36	0.73
	V16	0.57			
	V17	0.55			
	V17	0.63			
حقوق اجتماعی	V18	0.77	0.74	0.48	0.73
	V19	0.63			
	V20	0.68			
حقوق سیاسی	V21	0.72	0.77	0.43	0.75
	V22	0.76			
	V23	0.61			
	V24	0.53			
حقوق فرهنگی	V25	0.62	0.75	0.43	0.73
	V26	0.68			
	V27	0.68			

جدول ۶: شاخص‌های پایایی و روایی متغیر سرمایه اجتماعی و ابعاد آن

Table 6: Reliability and Validity Indicators of Social Capital Variable and Its Dimensions

متغیر	معرف‌ها	بار عاملی	پایایی ترکیبی	میانگین واریانس استخراج شده	آلفای کرونباخ
Variable	Reagents	Factor Load	Composite Reliability	Mean Variance Extracted	Cronbach's Alpha
		> 0.40 بار عاملی	$CR > 0.70$	$AVE > 0.40$	$Alfa > 0.70$
سرمایه اجتماعی	اعتماد اجتماعی	۰/۸۲	۰/۹۳	۰/۶۵	۰/۹۱۵
	مشارکت اجتماعی	۰/۸۰			
	انسجام و روابط	۰/۸۰			
اعتماد اجتماعی	اعتماد نزدیکان	۰/۶۲	۰/۸۶	۰/۴۰	۰/۸۴۴
	اعتماد همسایگان	۰/۶۸			
	اعتماد همکاران	۰/۵۷			
مشارکت اجتماعی	عضویت انجمنها	۰/۷۲	۰/۸۸	۰/۵۹	۰/۸۶۱
	روابط بین سازمان	۰/۸۳			
انسجام و روابط اجتماعی	تعلق اجتماعی	۰/۶۴	۰/۹۰	۰/۵۹	۰/۸۹۴
	انسجام اجتماعی	۰/۷۷			
	روابط اجتماعی	۰/۸۸			

جدول ۷: شاخص‌های پایایی و روایی متغیر سرمایه سیاسی و ابعاد آن

Table 7: Reliability and Validity Indices of Political Capital Variable and Its Dimensions

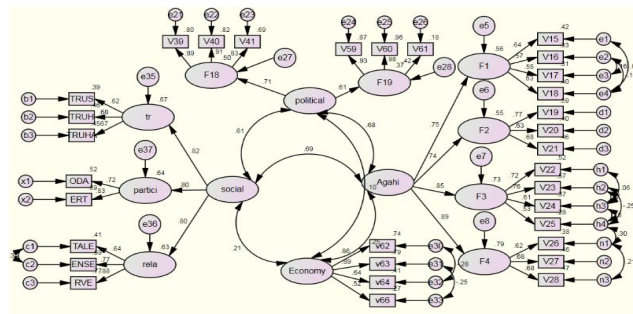
متغیر	معرف‌ها	بار عاملی	پایایی ترکیبی	میانگین واریانس استخراج شده	آلفای کرونباخ
Variable	Reagents	Factor Load	Composite Reliability	Mean Variance Extracted	Cronbach's Alpha
		> 0.40 بار عاملی	$CR > 0.70$	$AVE > 0.40$	$Alfa > 0.70$
سرمایه سیاسی	اعتماد سیاسی F18	۰/۷۱	۰/۹۳	۰/۴۳	۰/۹۱۵
	مشارکت سیاسی F19	۰/۶۱			
اعتماد سیاسی	V39	۰/۸۹	۰/۸۵	۰/۷۶	۰/۸۴۱
	V40	۰/۹۱			
	V41	۰/۸۳			
مشارکت سیاسی	V59	۰/۹۳	۰/۸۲	۰/۶۶	۰/۸۰۸
	V60	۰/۹۸			
	V61	۰/۴۲			

جدول ۸: شاخص‌های پایایی و روایی متغیر سرمایه اقتصادی و ابعاد آن

Table 8: Reliability and Validity Indicators of Economic Capital Variable and Its Dimensions

متغیر	معرف‌ها	بار عاملی	پایایی ترکیبی	میانگین واریانس استخراج شده	آلفای کرونباخ
سرمایه اقتصادی	V62	۰/۸۶	۰/۸۳	۰/۵۵	۰/۸۰۱
	V63	۰/۸۹			
V64	۰/۶۴				
V66	۰/۵۲				
	Reagents	Factor Load	Composite Reliability	Mean Variance Extracted	Cronbach's Alpha
Variable		بار عاملی > ۰/۴۰	CR > ۰/۷۰	AVE > ۰/۴۰	Alfa > ۰/۷۰

همان‌گونه که در شکل ۲ ملاحظه می‌شود همه بارهای عاملی شاخص‌های موجود در مدل بیشتر از ۰/۵ می‌باشند به جز بار عاملی شاخص (V61) که متعلق به متغیر مشارکت سیاسی است. اما هیر و همکاران اعتقاد دارند که اگر مقدار پایایی ترکیبی و میانگین واریانس به اشتراک گذاشته شده برای یک سازه در شرایط قابل قبولی باشند می‌توان شاخص‌هایی را که ضریب بار عاملی آن‌ها بین ۰/۴۰ تا ۰/۷۰ می‌باشند را قابل قبول دانست (Hair & et. al, 2014: 103; Garson, 2016: 61; Kong and Wong, 2013: 32).



شکل ۲: مدل تحلیل عاملی تأییدی آگاهی از حقوق شهروندی، سرمایه اجتماعی، سرمایه سیاسی و سرمایه اقتصادی

Figure 2: Confirmatory Factor Analysis Model of Awareness of Citizenship Rights, Social Capital, Political Capital and Economic Capital

پس از بررسی و قابل قبول بودن بارهای عاملی استاندارد شده، نوبت به بررسی شاخص‌های برازش مدل می‌رسد. نتایج شاخص‌های برازش جداول ۹، ۱۰ و ۱۱ نشان می‌دهد که مدل از برازش قابل قبولی برخوردار می‌باشد.

جدول ۹: شاخص‌های برازش مطلق

Table 9: Absolute Fit Indices

نتیجه	اندازه در مدل	بازه قابل قبول	نام کامل	شاخص برازش
<i>Result</i>	<i>Size In Model</i>	<i>Acceptable Range</i>	<i>Full Name</i>	<i>Fit Index</i>
خوب	۰.۰۶	۰.۰۸ < خوب متوسط ۰.۱ تا ۰.۰۸ ضعیف < ۰.۱	Root Mean Square Error of Approximation	RMSEA
نامطلوب	۰.۸۵۳	> ۰.۹۰ قابل قبول	Goodness-of-Fit Index	GFI
قابل قبول	۲.۸۷۰	۳ < خوب < ۵ قابل قبول	Minimum Discrepancy Function By Degrees of Freedom Divided	CMIN/DF

جدول ۱۰: شاخص‌های برازش تطبیقی

Table 10: Comparative Fit Indices

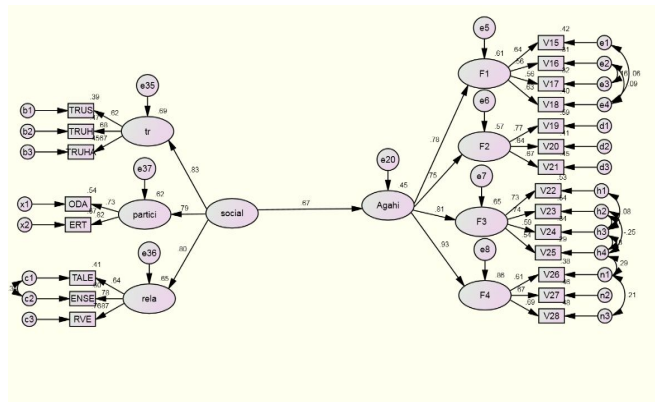
نتیجه	اندازه در مدل	بازه قابل قبول	نام کامل	شاخص برازش
<i>Result</i>	<i>Size In Model</i>	<i>Acceptable Range</i>	<i>Full Name</i>	<i>Fit Index</i>
مطلوب	۰.۸۴	> ۰.۹۰ قابل قبول	Fit Index Normed	NFI
مطلوب	۰.۹۰	> ۰.۹۰ قابل قبول	Fit Index Incremental	IFI
مطلوب	۰.۹۰	> ۰.۹۰ قابل قبول	Fit Index Comparative	CFI

جدول ۱۱: شاخص‌های برازش تطبیقی

Table 11: Comparative Fit Indices

نتیجه	اندازه در مدل	بازه قابل قبول	نام کامل	شاخص برازش
<i>Result</i>	<i>Size In Model</i>	<i>Acceptable Range</i>	<i>Full Name</i>	<i>Fit Index</i>
قابل قبول	۰.۷۴	> ۰.۵۰ قابل قبول	Fit Index Normed Parsimonious	PNFI
قابل قبول	۰.۷۸	> ۰.۵۰ قابل قبول	Fit Index Comparative Parsimonious	PCFI
قابل قبول	۰.۷۰	> ۰.۵۰ قابل قبول	Goodness-of-Fit Index Parsimonious	PGFI

پس از بررسی و ارزیابی مدل اندازه‌گیری، مدل ساختاری مورد ارزیابی قرار گرفت. کیفیت یک مدل ساختاری با بررسی و ارزیابی، (۱) ضرایب رگرسیون استاندارد شده، (۲) ضریب تعیین (R^2) و اعداد معناداری مورد بررسی قرار می‌گیرد. ابتدایی‌ترین معیار برای سنجش رابطه‌ی بین سازه‌ها در مدل (بخش ساختاری)، اعداد معناداری (T -Value) است. در صورتی که مقدار این اعداد از قدر مطلق عدد ۱/۹۶ بیشتر شود، نشان از صحت رابطه بین سازه‌ها و در نتیجه تأیید فرضیه‌های پژوهش است. بنابراین به دلیل بررسی نقش متغیرهای سرمایه اقتصادی و سرمایه سیاسی به‌عنوان متغیر میانجی ابتدا مدل تأثیر سرمایه اجتماعی بر متغیر آگاهی از حقوق شهروندی بدون متغیر میانجی بررسی شد و در ادامه به منظور بررسی نقش میانجی‌گری متغیرهای سرمایه اقتصادی و سرمایه سیاسی، مدل ساختاری با وجود متغیرهای میانجی نیز مورد بررسی قرار گرفت.



شکل ۳: مدل ساختاری ضریب مسیر (آگاهی از حقوق شهروندی و سرمایه اجتماعی)

Figure 3: Structural Model of Path Coefficient (Awareness of Citizenship Rights and Social Capital)

با توجه به داده‌های جدول ۱۲ و عدد معناداری (T -Value) فرضیه پژوهش تأیید می‌شود. نتایج مسیر سرمایه اجتماعی به آگاهی از حقوق شهروندی نشان می‌دهد که، میزان ضریب مسیر استاندارد ۰/۶۷ و قدر مطلق آماره T نیز بیشتر از عدد ۱/۹۶ می‌باشد. بدین ترتیب این فرضیه «رابطه و تأثیر سرمایه اجتماعی بر آگاهی از حقوق شهروندی تأیید

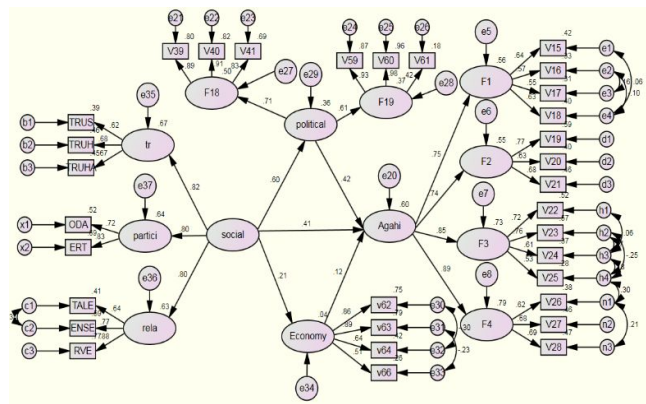
می‌شود». بنابراین سرمایه اجتماعی به‌عنوان متغیری تأثیرگذار در تبیین میزان واریانس متغیر آگاهی از حقوق شهروندی مطرح می‌باشد.

جدول ۱۲: نتایج آزمون مدل ساختاری بین متغیرهای پژوهش

Table 12: The Results of the Structural Model Test between Research Variables

T-Value	ضریب مسیر استاندارد	مسیر
T-Value	Standard Path Coefficient	Direction
۷/۵۶۴	۰/۱۶۷	سرمایه اجتماعی به آگاهی از حقوق شهروندی

مقدار ضریب تعیین (R^2) برابر با ۰/۷۵، ۰/۵۰ و ۰/۲۵ برای متغیرهای مکنون درون‌زا، به‌عنوان یک قاعده کلی، به‌ترتیب به‌عنوان قابل توجه، متوسط و ضعیف می‌تواند توصیف شود (*Hair & et. al., 2016:219*). با توجه به نتایج مقدار ضریب تعیین برای متغیر آگاهی از حقوق شهروندی (۰/۴۵) متوسط، ارزیابی می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که متغیر سرمایه اجتماعی به تنهایی توانسته است ۴۵ درصد از واریانس متغیر آگاهی از حقوق شهروندی را تبیین نماید. در ادامه مدل با متغیرهای میانجی سرمایه اقتصادی و سرمایه سیاسی نیز مورد بررسی قرار گرفته که نتایج آن در شکل ۴ و جدول شماره و جدول ۱۳ نشان داده شده است.



شکل ۴: مدل ساختاری ضرایب مسیر (آگاهی از حقوق شهروندی، سرمایه اجتماعی، سرمایه سیاسی و سرمایه اقتصادی)

Figure 4: Structural Model of Path Coefficients (Awareness of Citizenship Rights, Social Capital, Political Capital and Economic Capital)

با توجه به شکل ۴ و جدول ۱۳ و با توجه به اعداد معناداری (*T-Value*) فرضیه‌های پژوهش را مورد بررسی قرار می‌دهیم. بنابراین با توجه به جدول ۷ و با توجه به عدد معناداری (*T-Value*) فرضیه اول پژوهش تأیید می‌شود. یعنی نتایج مسیر سرمایه اجتماعی به آگاهی از حقوق شهروندی نشان می‌دهد که، میزان ضریب مسیر استاندارد ۰/۴۱ و قدر مطلق آماره *T* نیز بیشتر از عدد ۱/۹۶ می‌باشد. بدین ترتیب فرضیه « رابطه و تأثیر سرمایه اجتماعی بر آگاهی از حقوق شهروندی تأیید می‌شود». نتایج تحلیل مسیر نیز نشان می‌دهند که میزان اثر غیر مستقیم متغیر سرمایه اجتماعی بر آگاهی از حقوق شهروندی برابر با ۰/۲۷ می‌باشد و اثر کل این متغیر بر متغیر آگاهی از حقوق شهروندی برابر با ۰/۶۸ می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت که سرمایه اجتماعی به‌عنوان مؤثرترین متغیر در تبیین میزان واریانس متغیر آگاهی از حقوق شهروندی مطرح می‌باشد.

با توجه به جدول ۱۳ و با توجه به عدد معناداری (*T-Value*) فرضیه دوم پژوهش تأیید می‌شود. نتیجه مسیر سرمایه اجتماعی به سرمایه سیاسی نشان می‌دهد که، میزان ضریب مسیر استاندارد ۰/۶۰ و قدر مطلق آماره *T* نیز بیشتر از عدد ۱/۹۶ می‌باشد. بدین ترتیب فرضیه « رابطه و تأثیر سرمایه اجتماعی بر سرمایه سیاسی تأیید می‌شود». نتایج نشان می‌دهند که متغیر سرمایه اجتماعی اثر غیر مستقیمی بر سرمایه سیاسی ندارد و اثر کل این متغیر بر متغیر سرمایه سیاسی برابر با برابر با ۰/۶۰ می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت که سرمایه اجتماعی به‌عنوان متغیری تأثیرگذار بر سرمایه سیاسی مطرح می‌باشد و توانسته است ۰/۳۶ درصد از تغییرات متغیر سرمایه سیاسی را تبیین نماید.

با توجه به جدول ۱۳ و با توجه به عدد معناداری (*T-Value*) فرضیه سوم پژوهش تأیید می‌شود. نتیجه مسیر سرمایه اجتماعی به سرمایه اقتصادی نشان می‌دهد که، میزان ضریب مسیر استاندارد ۰/۲۱ و قدر مطلق آماره *T* نیز بیشتر از عدد ۱/۹۶ می‌باشد. بدین ترتیب فرضیه « رابطه و تأثیر سرمایه اجتماعی بر سرمایه اقتصادی تأیید می‌شود». نتایج نشان می‌دهند که متغیر سرمایه اجتماعی اثر غیر مستقیمی بر سرمایه اقتصادی ندارد و اثر کل این متغیر بر متغیر سرمایه اقتصادی برابر با برابر با ۰/۲۱ می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت که سرمایه اجتماعی به‌عنوان متغیری تأثیرگذار بر سرمایه اقتصادی مطرح می‌باشد و توانسته است ۰/۰۴ درصد از تغییرات متغیر سرمایه اقتصادی را تبیین نماید.

با توجه به جدول ۱۳ و با توجه به عدد معناداری (*T-Value*) فرضیه چهارم پژوهش تأیید می‌شود. نتایج مسیر سرمایه سیاسی به آگاهی از حقوق شهروندی نشان می‌دهد که، میزان ضریب مسیر استاندارد ۰/۴۲ و قدر مطلق آماره *T* نیز بیشتر از عدد ۱/۹۶ می‌باشد.

بدین ترتیب فرضیه « رابطه و تأثیر سرمایه سیاسی بر آگاهی از حقوق شهروندی تأیید می‌شود». نتایج نشان‌دهنده آن است که سرمایه سیاسی اثر غیر مستقیمی بر متغیر آگاهی از حقوق شهروندی نداشته است و اثر کل این متغیر بر متغیر آگاهی از حقوق شهروندی برابر با ۰/۴۲ می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت که سرمایه سیاسی به‌عنوان متغیری تأثیرگذار در تبیین واریانس متغیر آگاهی از حقوق شهروندی مطرح می‌باشد.

با توجه به جدول ۱۳ و با توجه به عدد معناداری (*T-Value*) فرضیه پنجم پژوهش نیز تأیید می‌شود. نتایج مسیر سرمایه اقتصادی به آگاهی از حقوق شهروندی نشان می‌دهد که، میزان ضریب مسیر استاندارد ۰/۱۲ و قدر مطلق آماره *T* نیز بیشتر از عدد ۱/۹۶ می‌باشد. بدین ترتیب فرضیه « رابطه و تأثیر سرمایه اقتصادی بر آگاهی از حقوق شهروندی تأیید می‌شود». نتایج نشان داده‌است که سرمایه اقتصادی اثر غیر مستقیمی بر متغیر آگاهی از حقوق شهروندی نداشته است و اثر کل این متغیر بر متغیر آگاهی از حقوق شهروندی برابر با ۰/۱۲ می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت که سرمایه اقتصادی به‌عنوان متغیری تأثیرگذار در تبیین واریانس متغیر آگاهی از حقوق شهروندی مطرح می‌باشد.

جدول ۱۳: نتایج آزمون مدل ساختاری بین متغیرهای مستقل و وابسته

Table 13: Results of Structural Model Test between Independent and Dependent Variables

اثر کل	اثر غیر مستقیم	اثر مستقیم	<i>T-Value</i>	ضرایب مسیر استاندارد	مسیر
<i>Total Effect</i>	<i>Indirect Effect</i>	<i>Direct Impact</i>	<i>T-Value</i>	<i>Standard Path Coefficient</i>	<i>Direction</i>
۰/۶۸	۰/۲۷	۰/۴۱	۴/۶۰۳	۰/۴۱	سرمایه اجتماعی به آگاهی از حقوق شهروندی
۰/۶۰	-	۰/۶۰	۶/۸۱۳	۰/۶۰	سرمایه اجتماعی به سرمایه سیاسی
۰/۲۱	-	۰/۲۱	۳/۶۹۶	۰/۲۱	سرمایه اجتماعی به سرمایه اقتصادی
۰/۴۲	-	۰/۴۲	۴/۳۶۳	۰/۴۲	سرمایه سیاسی به آگاهی از حقوق شهروندی
۰/۱۲	-	۰/۱۲	۲/۶۲۵	۰/۱۲	سرمایه اقتصادی به آگاهی از حقوق شهروندی

بنابراین طبق نتایج بدست آمده در جدول ۱۳ مقدار ضریب تعیین برای متغیر آگاهی از حقوق شهروندی (۰/۶۰)، متغیر سرمایه سیاسی (۰/۳۶)، متغیر سرمایه اقتصادی (۰/۰۴) ارزیابی می‌شود. در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که متغیرهای سرمایه سیاسی و سرمایه اقتصادی در رابطه بین سرمایه اجتماعی و آگاهی از حقوق شهروندی نقش میانجی‌گری را دارا می‌باشند.

نتیجه‌گیری

کشور ایران دارای تنوع و تکثر در زمینه‌های مختلفی از جمله موقعیت جغرافیایی، اقلیمی، فرهنگی، قومیتی و اجتماعی می‌باشد. در دوران کنونی به دلایلی مانند وجود برنامه‌های توسعه، تنوع مذکور شکل خاصی گرفته است. و تاثیر خاصی بر تغییرات اجتماعی و توسعه ای داشته است. با مهاجرت از مناطق کم برخوردار و روستایی به مناطق شهری باعث ایجاد پدیده حاشیه‌نشینی و تنوع فرهنگی و قومی در شهرها و چالش‌های اجتماعی گردیده است.

استان خوزستان یکی از استان‌هایی که از یک‌سو آینه تمام‌نما از تنوع و تکثر جامعه ایرانی است و از سوی دیگر به لحاظ صنعتی بودن و مهاجرت سیل افراد جویای کار چالش‌های ناشی از وجود برنامه‌های توسعه را گذرانده است. شهر اهواز به مرکزیت استان خوزستان ترکیبی از تنوع قومی و فرهنگی می‌باشد و به صورت روزمره در تعامل و ارتباط با یکدیگر قرار دارند. در بستر چنین تنوعی، ارتباط بین سرمایه اجتماعی و حقوق شهروندی و نقش سرمایه سیاسی و اقتصادی بعنوان میانجی در ارتقاء بینش فرهنگ شهروندی و توسعه و رفاه اجتماعی از اهمیت بسزایی برخوردار می‌باشد و عدم تحقق آن چالش‌هایی به همراه دارد. هر چقدر نخبگان ابزاری ارتباط و زمینه فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی و ... را مهیا نمایند مشارکت جامعه هدف در مسائل سیاسی و ... پررنگ‌تر می‌شود؛ و در صورت عکس منجر به نتیجه معکوس می‌شود.

برای بررسی سهم تأثیرگذاری هر یک از متغیرهای مستقل پژوهش بر متغیر آگاهی از حقوق شهروندی و آزمون کردن تجربی مدل نظری از روش مدلسازی معادلات ساختاری استفاده شده است. همچنین از تحلیل عاملی برای تأیید مدل ارائه شده بر اساس نظریه‌ها با مدلی که در دنیای واقعی وجود دارد استفاده شده است و مزیت سوم بهره‌گیری از پرسشنامه محقق ساخته بر اساس نظرات اساتید و اندیشمندان علوم اجتماعی بهره‌گیری شده است.

چهارم در بخش کیفی از روش داده‌بنیاد برای نظریه‌سازی از داده‌ها بر اساس بنیان‌های تفسیری - برساختی بهره‌گیری شده است.

این پژوهش با هدف تدوین الگوی سرمایه اجتماعی و آگاهی از حقوق شهروندی در بین شهروندان شهر اهواز در دو مرحله کیفی و کمی اجرا شده است. نتایج بخش کیفی پژوهش به طراحی بسترهای سرمایه اجتماعی و آگاهی از حقوق شهروندی منجر شد. در روش کیفی، بر اساس یک رویکرد کیفی (داده‌بنیاد) استفاده شده است. داده‌های کیفی از طریق مصاحبه نیم ساختار یافته با همکاری اساتید، صاحب‌نظران و ... در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی و فعالان اجتماعی گردآوری می‌شود. نتیجه مرحله اول تحقیق پس از تجزیه و تحلیل متن مصاحبه‌ها به منظور بالا بردن پایایی این بخش تحقیق، از روش دلفی استفاده گردید و نتیجه این بخش به ارائه مدل منجر می‌شود؛ که در مرحله دوم تحقیق، رویکرد کمی با استفاده از معادلات ساختاری به بررسی و برازش مدل استخراجی از بخش کیفی منجر گردید.

نتایج تحلیل‌های بخش کمی پژوهش، نشان داد که بین میزان سرمایه اجتماعی با آگاهی از حقوق شهروندی همبستگی مثبت وجود دارد و میزان آگاهی از حقوق شهروندی افراد به شدت تحت تأثیر سرمایه اجتماعی قرار می‌گیرد. بنابراین سرمایه اجتماعی به‌عنوان عاملی تأثیرگذار در افزایش آگاهی از حقوق شهروندی افراد و گروه‌ها است و کسانی که از میزان سرمایه اجتماعی بیشتری برخوردار باشند به تبع آن آگاهی از حقوق شهروندی نیز در بین آن‌ها از میزان بالاتری برخوردار می‌باشد. نتایج این پژوهش با پژوهش‌های ناصری و خوشبخت (۱۳۹۵)، لاریجانی (۱۳۹۷)، شهریاری و همکاران (۱۳۹۵)، عبدی‌پور و حق‌ندری (۱۳۹۵)، گنجی و همکاران (۱۳۹۴)، زارع و ملک‌پور (۱۳۹۵)، ذوالفقاری و همکاران (۱۳۹۸)، هدایت‌زاده و همکاران (۱۳۹۸)، ابراهیمی‌منش (۱۳۹۵) و ناجی‌مهر (۱۳۹۲) همسو می‌باشد. سرمایه اجتماعی عاملی پیش‌نیاز برای شهروندی می‌باشد و منابع موجود در تعاملات اجتماعی و نظام هدفمند همکاری و همیاری میان اعضای جامعه محسوب شده که باعث ایجاد شبکه‌های روابط معقولانه، حس اعتماد و مشارکت بین افراد یک جامعه می‌گردد و در نهایت جامعه را در دسترسی به هدف مشترک و حفظ ذات و انسجام بیشتر کمک می‌نماید. نتایج مربوط به وجود رابطه معنادار بین میزان سرمایه اجتماعی و سرمایه سیاسی شهروندان نشان می‌دهد که با افزایش میزان سرمایه اجتماعی، میزان سرمایه سیاسی نیز در میان افراد افزایش پیدا می‌کند. بنابراین می‌توان گفت متغیر سرمایه اجتماعی به‌عنوان عاملی تأثیرگذار در افزایش سرمایه سیاسی در میان شهروندان می‌باشد. این یافته با پژوهش‌های حبیب‌پور گتایی و موسوی خورشیدی (۱۳۹۵)، امام‌جمعه‌زاده و همکاران (۱۳۹۱)، سردارنیا و همکاران

(۱۳۸۸) و چنگیزی (۱۳۹۴)، همسو می‌باشد. به اعتقاد بوردیو نیز همه ابعاد سرمایه از جمله سرمایه سیاسی، سرمایه اقتصادی، سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی رابطه معناداری با هم دارند. پاتنام نیز به‌طور تلویحی سرمایه اجتماعی را بافضیلت مدنی پیوند می‌زند. شهروند بافضیلت مدنی به موضوعات سیاسی علاقه‌مند است، از طریق عضویت در انجمن‌های همکاری، اعتماد متقابل و بردباری در برابر نظرات متفاوتی که مطرح می‌شوند، پیوند دارد. اگر شهروندی به دیگری اعتماد کند، آن‌ها بیشتر می‌توانند از روی میل درخواست همکاری و فعالیت اجتماعی داشته باشند او تأکید می‌کند که جنبه‌های متفاوت اعتماد، تأثیر متقابل و شبکه‌های اجتماعی به یکدیگر وابسته‌اند که وابستگی به یکدیگر، سرمایه اجتماعی را تولید و بازتولید می‌کند. عامل اعتماد در بستر شبکه‌های اجتماعی زمینه‌های مشارکت و حضور فعال افراد را در جامعه فراهم کرده و باعث گسترش هنجارهای بده بستان و همیاری می‌شود و بدین ترتیب موجبات افزایش احساس تعلق افراد به جامعه را فراهم می‌کند و آن‌ها را در جهت پذیرش حقوق و مسئولیت‌های شهروندی‌شان تشویق می‌کند. به‌طور کلی نظریه پردازان جامعه‌شناسی، مشارکت را معرف اصلی شهروندی دانسته و آن را به گونه‌های مختلف مورد تحلیل قرار داده‌اند. شناسایی ابعاد مختلف مشارکت در قالب حقوق و وظایف شهروندی می‌تواند راه‌های اجرایی مؤثر و کارآمد خواسته‌های شهروندان باشد، زیرا اعضای جامعه هم هدف و هم وسیله تحقق اجتماعی هستند. در این زمینه هابرماس، معتقد است تنها در بافت حوزه عمومی و جامعه مدنی است که افراد به‌عنوان شهروندان دارای حقوق، عضو تمام‌عیار جامعه خود می‌گردند. در جامعه مدنی تصمیم‌گیری‌ها از طریق فرآیندهای جمعی و مشارکت فعالانه شهروندان در قالب نهادها، انجمن‌ها و گروه‌های مدنی صورت می‌گیرد. کار این نهادها و گروه‌ها این است که با ایجاد زمینه مشارکت، آگاهی افراد را افزایش دهند. بر همین مبنا وی مشارکت اجتماعی - سیاسی را معرف اصلی شهروندی می‌داند و آن را به گونه‌های مختلف تحلیل کرده است (Niazi & et. al, 2017)؛ بنابراین می‌توان چنین استنباط نمود که میزان سرمایه اجتماعی عاملی تأثیرگذار بر سرمایه سیاسی می‌باشد. از نتایج دیگر این پژوهش وجود رابطه معنادار بین میزان سرمایه اجتماعی و سرمایه اقتصادی شهروندان رابطه معناداری وجود دارد و با افزایش میزان سرمایه اجتماعی، میزان سرمایه اقتصادی نیز در میان افراد افزایش پیدا می‌کند. بنابراین می‌توان گفت متغیر سرمایه اجتماعی به‌عنوان عاملی تأثیرگذار در افزایش سرمایه اقتصادی شهروندان می‌باشد. نتایج این پژوهش با پژوهش قاسمی و همکاران (۱۳۸۹)، همسو می‌باشد. به اعتقاد پییر بوردیو سرمایه دارای چهار بعد

«اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نمادین (سرمایه سیاسی) است و تمامی ابعاد سرمایه در ارتباط با هم قرار دارند.

بررسی نتایج مربوط به بررسی رابطه بین سرمایه سیاسی و آگاهی از حقوق شهروندی نشان می‌دهد که با افزایش میزان سرمایه سیاسی در میان شهروندان میزان آگاهی از حقوق شهروندی شهروندان نیز در آنان افزایش پیدا می‌کند. بنابراین می‌توان گفت سرمایه سیاسی به‌عنوان عاملی تأثیرگذار در افزایش آگاهی از حقوق شهروندی مطرح می‌باشد و افرادی که از میزان سرمایه سیاسی بیشتری برخوردار باشند به تبع آن آگاهی از حقوق شهروندی نیز در بین آن‌ها افزایش پیدا می‌کند. این نتایج با یافته‌های پژوهشی بهرامی و همکاران (۱۳۹۸)، عبدی‌پور و حق‌ندری (۱۳۹۵)، شهریاری و همکاران (۱۳۹۵)، اسکافی (۱۳۸۶) همسو می‌باشد. نتایج پژوهش بهرامی و همکاران (۱۳۹۸)، نشان داد که متغیر اعتماد سیاسی تأثیر معناداری بر متغیر آگاهی از حقوق شهروندی دارد. ترنر معتقد است که شهروندی، دسترسی افراد و گروه‌های جامعه را به منابع کمیاب کنترل می‌کند. منظور ترنر از منابع کمیاب نه تنها سرمایه اقتصادی، بلکه منابع فرهنگی از قبیل آموزش، دانش، مذهب و زبان، همچنین منابع سیاسی از جمله سرمایه سیاسی که مربوط به دسترسی به منابع قدرت در جامعه مانند حق رأی دادن، مشارکت سیاسی، اعتماد سیاسی و مانند آن را نیز شامل می‌شود. بنابراین می‌توان استنباط نمود که سرمایه سیاسی نیز بر آگاهی از حقوق شهروندی و ابعاد آن اثرگذار می‌باشد. هابرماس، معتقد است که شهروندی ناشی از تمایز حوزه اقتصادی - سیاسی و شکل‌گیری حوزه جدیدی به نام حوزه عمومی است. تنها در بافت حوزه عمومی و جامعه مدنی است که افراد به‌عنوان شهروندان دارای حقوق، عضو تمام‌عیار جامعه خود می‌گردند. در جامعه مدنی تصمیم‌گیری‌ها از طریق فرآیندهای جمعی و مشارکت فعالانه شهروندان در قالب نهادها، انجمن‌ها و گروه‌های مدنی صورت می‌گیرد. کار این نهادها و گروه‌ها این است که با ایجاد زمینه مشارکت، آگاهی افراد را افزایش دهند. بر همین مبنا وی مشارکت اجتماعی - سیاسی را معرف اصلی شهروندی می‌داند و آن را به گونه‌های مختلف تحلیل کرده است (Niazi & *et. al*, 2017)؛ بنابراین می‌توان چنین استنباط نمود که مشارکت سیاسی بر آگاهی از حقوق شهروندی اثرگذار می‌باشد و باعث افزایش میزان آگاهی از حقوق شهروندی می‌شود.

همچنین نتایج نشان می‌دهد که بین میزان سرمایه اقتصادی و میزان آگاهی از حقوق شهروندی شهروندان رابطه معناداری وجود دارد و با افزایش میزان سرمایه اقتصادی، میزان آگاهی از حقوق شهروندی آنان نیز افزایش پیدا می‌کند. این یافته با نتایج پژوهشی هزارجریبی و امانیان (۱۳۹۰)، زارع و ملک‌پور (۱۳۹۵)، صادقی‌گیل‌زاده (۱۳۸۸)، شهریاری و

همکاران (۱۳۹۵)، گنجی و همکاران (۱۳۹۴)، بهرامی و همکاران (۱۳۹۸)، همخوانی دارد. مارشال، در فرآیند تکاملی آگاهی از حقوق شهروندی، تأکید زیادی بر حقوق اجتماعی دارد که تعیین‌کننده استانداردهای مناسب زندگی است و حقوق اجتماعی را به معنای موقعیت رسمی شهروندی بر پایه منابع مادی دانسته است. ترنر نیز معتقد است که شهروندی، دسترسی افراد و گروه‌های جامعه را به منابع کمیاب کنترل می‌کند. منظور ترنر از منابع کمیاب، سرمایه اقتصادی و منابع فرهنگی اجتماعی نیز می‌باشد. کارل مارکس نیز بر این عقیده است که افرادی که از پایگاه اقتصادی (سرمایه اقتصادی) پایینی برخوردارند، آگاهی کمتری از حقوق از جمله حقوق شهروندی دارند.

سرمایه اقتصادی از جمله متغیرهای تأثیرگذار بر آگاهی از حقوق شهروندی است. افرادی که از سرمایه اقتصادی بالاتری برخوردار باشند، میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان آن‌ها افزایش پیدا می‌کند، این‌گونه افراد برخوردار، شانس بیشتری برای تحصیلات در مقاطع بالاتر را خواهند داشت. پیشینه تجربی نشان‌دهنده آن است که تحصیلات از جمله متغیرهای تأثیرگذار بر افزایش آگاهی از حقوق شهروندی در میان افراد می‌باشد. بنابراین شرایط برای عدالت در بهره‌مندی همه افراد جامعه از ثروت و سرمایه مادی در جامعه فراهم گردد تا افراد از شرایط اقتصادی بهتری برخوردار شده و به تبع آن زمینه افزایش میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان افراد جامعه فراهم شود. باشند. در مجموع نتایج پژوهش گویای این امر می‌باشد که یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر آگاهی از حقوق شهروندی متغیر سرمایه اجتماعی می‌باشد، پژوهش موسایی، که با عنوان سرمایه اجتماعی و ارتباط آن با توسعه در ۲۰ استان کشور در سال ۸۷ به انجام رسید نشان داد، رتبه سرمایه اجتماعی و رتبه توسعه هر استان همبستگی وجود ندارد و این یافته برخلاف یافته‌های پیشین بود. نتیجه این تحقیق نشان داد که سیاست‌های توسعه‌ای در ایران، به تخریب سرمایه اجتماعی منجر شده است ولی در کشورهای توسعه‌یافته، بین توسعه و شاخص‌های سرمایه اجتماعی همبستگی وجود دارد، یعنی در جایی که توسعه یافته‌تر است، سرمایه اجتماعی بالاتری هم وجود دارد (Mousaei & et. al, 2008). از محدودیت‌های این پژوهش این بود که طرح پژوهش حاضر از نوع همبستگی بوده، بنابراین استنباط روابط علی بین متغیرها بر مبنای احتمال قرار دارد؛ به این معنا که علاوه بر روابط به دست آمده در این مطالعه، ممکن است متغیرهای مداخله‌گر نظیر مسائل اجتماعی و فرهنگی و ... نتایج را تحت تأثیر قرار دهد. با توجه به اینکه نمونه آماری این پژوهش محدود به شهروندان ۲۰ تا ۶۵ سال کلانشهر اهواز بود، بنابراین در تعمیم نتایج آن به سایر جوامع احتیاط رعایت شود. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی با استفاده

از روش مرور نظام‌مند و فراتحلیل، به بررسی مطالعات انجام شده در این زمینه پرداخته شود. همچنین پیشنهاد می‌گردد به منظور تقویت و ارتقای سرمایه اجتماعی شهروندان، شبکه‌های غیر رسمی مردم‌نهاد که یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی است، گسترش یافته و با معرفی تشکل‌ها، انجمن‌ها، سازمان‌های غیر دولتی، زمینه حضور و مشارکت شهروندان در عرصه‌های عمومی جامعه فراهم شود. افزایش میزان اعتماد اجتماعی در میان افراد جامعه موجب افزایش انسجام و روابط اجتماعی می‌گردد که نتیجه آن افزایش میزان مشارکت اجتماعی و در نهایت افزایش میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان افراد جامعه خواهد بود. تدوین برنامه آگاه‌سازی در زمینه «حقوق مدنی، اجتماعی، سیاسی فرهنگی» و وظایف شهروندی افراد و اقشار جامعه؛ تدارک برنامه‌ای جامع و کامل جهت نهادینه کردن حقوق و وظایف «مدنی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی» در عرصه‌های عمومی و خصوصی جامعه و تقویت ارزش‌هایی چون اخلاق مشارکتی و مدنی برای افزایش آگاهی و تبدیل شدن به شهروندی فعال در میان افراد جامعه به‌عنوان پیشنهادات کاربردی این مطالعه می‌باشد.

پیشنهادهای کاربردی

۱. تلاش متولیان امر و مسئولین جهت فراهم نمودن شرایط برای بهره‌مندی همه افراد از ثروت و سرمایه مادی تا به تبع آن افراد از شرایط اقتصادی بهتری برخوردار شوند و زمینه افزایش میزان آگاهی از حقوق شهروندی را در میان افراد جامعه تحقق یابد.
۲. تلاش جهت تحقق عدالت اجتماعی و حاکمیت قانون، که بر ماهیت شهروندمداری یا مردم‌مدار جریان دارند به منظور افزایش سطح اعتماد.
۳. بهره‌گیری از ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد با اجرای مدیریت دانش و تحقق اهداف حقوق شهروندی و سرمایه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی.
۴. تدوین برنامه‌ای جامع جهت تحقق آگاه‌سازی در زمینه آگاهی از حقوق مدنی، اجتماعی، سیاسی فرهنگی و وظایف و هویت شهروندی افراد و اقشار جامعه.
۵. پیوستگی نخبگان قومی و محلی با نخبگان مرکزی و ملی.

References:

- Abdipour, A., Hagh Nadari, I. (2017). Investigating the relationship between social capital and awareness of citizenship rights among the citizens of Khorram Abad city, Qom. (Persian).
- Akhavan, A. (2015). Examining the environmental behaviors of citizens aged 15 and over in Urmia city and related social factors, Master's thesis, Tabriz University, Faculty of Law and Social Sciences, Department of Social Sciences, Department of Sociology. (Persian).
- Azkiya, M. and Firozabadi, Seyed A. (2004). "Social capital and its role in production formations: A case study of Abrizkarkheh watershed", Iranian Sociological Journal, 5th Vol., No. 4, 2013, pp. 520-57. (Persian).
- Babasafari, N. (2018). Qualitative data analysis in MaxQDI, Qom, Logos Publications, first edition. (Persian).
- Booth, J. A. & Richard, P. B. (2007). Social and political capital in Latin American democracies, Prepared for presentation at the Symposium on the Prospects for Democracy in Latin America, University of North Texas, April 5-6.
- Calm, S. (2020). "Examines the citizenship dimension of transnational inequalities An Empirical Investigation", American Behavioral Scientist, vol 53, pp: 1389-1422.
- Coleman, J. (1988). Foundations of social theory, translation: Manouchehr Sabouri, Tehran: Nei Publishing. (Persian).
- Creswell, J. W. (2015). Introduction to the combined research method in (behavioral and social sciences), translated by Ahmad Abedi and Amir Qumrani, Heran: Kavashiar Publications. (Persian).
- Ebadi, N., Qalipour, A. and Pirannejad, A. (2014). "Identification of factors affecting political capital", management and development process, Vol. 27, No., Series 88, pp. 29-51. (Persian).
- Ebrahimi-Manesh, M. (2007). The role of awareness of citizenship rights and obligations on citizens' social capital: a case study of citizens aged 30-44 in Shiraz city, Master's thesis, Sociology, Shiraz University. (Persian).

Fukuyama, F. (1999). *Final order: social capital and its preservation*. Translated by: Gholam Abbas Tosali, Tehran: Nashrehkait. (Persian).

Ganji, Mohammad; Niazi, Mohammad and Islami Bozur, Zahra (2015). "The role of social and cultural capital in the sense of citizenship", *Journal of Urban Sociological Studies*, 6th year-7th issue. (Persian).

Ghasemi, V. (2013). *Structural Equation Modeling in Social Research*, Tehran, Sociologists Publications, second edition. (Persian).

Heater, D. (2004). *Citizenship: «the civic ideal in world history, political and education»*, Manchester University Press.

Hedayatzadeh, H. & et. al. (2018). "Investigating the relationship between social capital, citizenship commitment of individuals, and social participation with citizenship rights among the citizens of Semnan city", *urban sociological studies (urban studies)*, Vol. 8, No. 28, pp. 189-215. (Persian).

Hedaytzadeh, H., Khodaparasti, A., Bagheri, H. (2019). "Investigating the relationship between social capital, citizenship commitment of individuals and social participation with citizenship rights among the citizens of Semnan city", *Urban Sociological Studies*, 8th year, No. 2. (Persian).

Hosseini, S. J. (2019). "Citizen's rights and promotion of optimal urban governance", *Political Strategy Quarterly*, Vol.9, pp. 43-62. (Persian).

Larijani, M. (2018). "Social factors affecting women's awareness of citizenship rights in Ray city", *Police Science Quarterly*, 20th year, No. 4 (series 81), pp. 113-93. (Persian).

Lopez-Gunn, E. (2019). "Urban Management Concepts", *Principles, Techniques and Education, Cities*, Vol. 18, No. 5, pp. 331- 345.

Macklin, A., (2014). "Citizenship Revocation, the Privilege to Have Rights and the Production of the Alien", *Queen's LJ*, 40:1, 1-54.

Manochehri, A. and M. Najati Hosseini (2009). "An introduction to the theory of dialogic citizenship in the political philosophy of Bermas", *Journal of Social Sciences*, No. 29, pp. 1-28. (Persian).

- Mirzamohammadi, A. (2013). *Qualitative data analysis with ATLAS.ti*, Tehran, Kian University Press, first edition. (Persian).
- Mohammadifar, Nejat & et. al. (2018). "Investigating the relationship between the enforcement of citizenship rights and the type of political participation in the city of Isfahan", *Applied Sociology (Isfahan University Humanities Research Journal)*, Vol. 28, No. 2 (66 consecutive), pp. 162-147. (Persian).
- Nabawi, S. A. H., Ershad, F., Fazel, S. H. (2010). "Factors affecting the sense of citizenship among students of Shahid Chamran University of Ahvaz", *Scientific-Research Quarterly of Social Welfare*, Year 10, No. 38. (Persian).
- Nahapiet, J. and S. Ghoshal (1998). "Social Capital, Intellectual Capital, and the Organizational Advantage", *Academy of Management Review*, No. 23(2), p 242-266.
- Naji Mehr, F. (2013). *Investigating the effect of social capital on the sense of citizenship in the areas of Mashhad city*, Master's Thesis, Social Sciences Research Department, Boali Sina University, Hamadan. (Persian).
- Naseri, S., Khoshbakht, E. (2016). "Investigating the level of awareness of women regarding their citizenship rights and duties", *Women and Culture Quarterly*, 8th year, pp. 65-79. (Persian).
- Park, S. Y., Lee, C.-K. & Kim, H. (2018). "The influence of corporate social responsibility on travelcompany employees", *International Journal of Contemporary Hospitality Management*, Vol. 30No. 1, pp. 178-196.
- Pirannejad, A. and N., Ebadi (2011). "Political capital and the Internet: investigating the level of political capital and the effect of using the Internet on its dimensions", *Iranian Management Sciences Quarterly*, 7th year, number 28, pp. 1-26. (Persian).
- Putnam, R. (1995). *Democracy in America at Century end*. In a Haden us (Ed), *Democracy Victory andCrisis*, New York: Cambridge University Press.
- Putnam, R. (2008). *A blessed society, social capital and public life*, translated by Afshin Khak Bazo Hasan Pouyan, Tehran: Shirazeh Publishing House, 5th edition. (Persian).
- Putnam, R. D. (1993). *Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy*. Princet.

Putnam, R. D. (1993). *Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy*. Princeton: Princeton-University Press.

Putnam, R. D. (1995). "Bowling Alone: American Declining Social Capital", *Journal of Democracy*, No. 6, pp. 65-78.

Putnam, Robert (2009). *Social Capital, Trust, Development Democracy*, Translation: Kianbakhsh, Tehran, Shirazeh Publishing House, 10th edition. (Persian).

Rafiei, N. & et. al. (2017). Strategic issue of development in Khuzestan province, Tehran, Presidential Strategic Studies Center. (Persian).

Rostgar Khaled, A., Azimi, H. (2014). "Examining the relationship between social capital and democratic citizenship, a case study: Tehran University students", *Social Sciences Quarterly*, No. 59, pp. 91-133. (Persian).

Safaei, E. and Ebrahimi, J. (2017). "Comparing the attitude of employees and prisoners of Khalkhal prison towards citizenship rights", *Sociological Studies*, Vol. 9, No. 34, pp. 69-90.

Sam Aram, E. and Barzegar Parisi, F. (2017). "Investigating the feeling of having citizenship rights and social factors affecting it among young people aged 15-29 in Sirjan city", *welfare planning and social development*, volume 7, vol. 27, pp. 75- 116. (Persian).

Shahriari, A. & et. al. (2016). "Investigating factors affecting the awareness of fundamental rights, *Quarterly Journal of Applied Sociology*", 27th year, serial number (63), third issue, fall 2015, pp. 147-168. (Persian).

Shahriari, A. (2017). "Ambiguities and Legal Obstacles of Citizenship Rights", *Labor Law Quarterly*, Vol. 4, No. 4, pp. 109-130. (Persian).

Shiani, M. and Davoudmandi, T. (2010). "An analysis of the level of awareness of citizenship rights among students", *Social Development and Welfare Planning Quarterly*, No. 5. (Persian).

Sidjavadin, S. R. and M. R. Esfidani (2010). *Theorization of Foundation Data and Atlas.ti Software*, Tehran, Publications of Business Studies and Research Institute. (Persian).

Sung Man, B. (2020). The relationship between social capital, acculturative stress and depressive symptoms-in multicultural adolescents Verification, using.

Thompson, D. (2010). "What does social capital mean?", Australian journal of social issues, 44(2), 145-161.

Turkmanpour, F. and Bahmanpour, S. (2018). "The role of citizenship based on high school social science books", Journal of Behavioral Sciences, No. 3. (Persian).

Zare Shahabadi, A. & et. al. (2018). "Measuring the level of awareness of Yazd University students about the rights and duties of citizenship: understanding the sense of collective identity", National Studies, Volume 19, Vol. 2 (Piyapi 74), pp. 112-97. (Persian).

Zolfaghari, A. and A. Jafari Aliabadi (2018). "Explaining the political trust of Iranians as political capital; Meta-analysis of existing researches", Iranian Political Sociology Quarterly, first year, third issue (3 consecutive), pp. 31-61. (Persian).

Investigating the Relationship between Social Capital and Awareness of Citizenship Rights Emphasizing the Mediating Role of Political Capital and Economic Capital (Case Study: Citizens of Ahvaz)

Saleh Salehi¹, Ali Hossein Hosseinzadeh (Ph.D)², Yousef Amini (Ph.D)³

DOI: 10.22055/QJSD.2023.39900.2605

Abstract:

Awareness of the rights and duties of citizenship and active participation of citizens in society is one of the challenging issues. The present study investigates the relationship between social capital and awareness of citizenship rights among citizens of Ahvaz. The research method is mixed type "quantitative descriptive survey type and qualitative field type with in-depth interview". In the qualitative part, the data foundation method has been used to theorize the data based on interpretive-constructive foundations. The statistical population of the study was all citizens aged 20 to 65 years living in Ahvaz. Using cluster random sampling, 526 of these citizens were selected as the sample. In this study, in-depth interviews, researcher-made questionnaires on citizenship, social capital, political capital, economic capital and demography were used to collect information. Atlas.ti software was used for qualitative data analysis and SPSS and AMOS software were used for quantitative data analysis. The research findings indicate that there is a significant relationship between social capital, political capital and economic capital and awareness of citizenship rights. In general, significant relationships were obtained between research variables and the research model was approved. It seems that the level of awareness of citizenship rights with respect to the significant relationship with social capital, political capital and economic capital, as an important and influential variable can provide the context for the welfare and political, economic and social development of the target community.

Key Concepts: Awareness of Citizenship Rights, Social Capital, Economic Capital, Political Capital, Development

¹ Ph.D Student in Sociology, Shoushtar Branch, Islamic Azad University, Shoushtar, Iran, salehisaleh758@gmail.com

² Professor, Department of Sociology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran (Corresponding Author), a.hosseinzadeh@scu.ac.ir

³ Assistant Professor, Department of Sociology, Shoushtar Branch, Islamic Azad University, Shoushtar, Iran, yousefamini@gmail.com

